

عراق آمادگی خود را برای تخلیه کویت اعلام کرد



دوشنبه ۲۹ بهمن ۱۳۶۹ برابر
۱۸ فوریه ۱۹۹۱ سال هجری شمسی شماره ۳۳۷

نظم نوین به سبک آمریکایی

برای کسانی که از بدو آغاز جنگ آمریکا و هم پیمانانش علیه عراق، این جنگ را محکوم کردند و بدون قائل شدن پیشینی ارزش برای ادعاهای نظامیان آمریکایی که می‌گفتند با دقتی مانند یک عمل جراحی اهداف نظامی را می‌کوبند و به غیر نظامیان کاری ندارند، فروریختن دهها هزار تن مواد منفجره بر شهرهای عراق را قتل عمد دهها هزار عراقی دانستند، صحنه‌های تکان دهنده‌ای که هفته گذشته توسط خبرنگاران از بغداد مخابره شد، با همه هولناکی، چیز تازه‌ای در برداشت همه مامی دانستیم که این جنگ، قصاصی بی‌رحمانه مردم عراق توسط نظامیان لجام گسیخته آمریکایی، انگلیسی، فرانسوی و سایرین است. این را نیز گفتیم و نوشتیم، صحنه‌های دردناکی که دیدیم، تنها اثباتی مجدد برای درستی این ارزیابی بود.

اصلا نباید در دام این بحث گرفتار آمد که پناهگاه مزبور مورد استفاده نظامی قرار داشته است یا نه، تردیدی وجود ندارد که آمریکا با آن همه وسایل و تجهیزات اکتشافی و جاسوسی که دارد، آگاهی کامل داشته است که پناهگاه معین نبوده، هر شب محل آسودن مردمی زجر دیده و بلاکشیده است که گمان می‌کرده‌اند در این پناهگاه از مرگ جمعی امدادی جرح بوش درآمانند، هراهدائی جز این،

دروغ است. به تائید سخنگویان نظامی آمریکایی در عربستان، جنرال شوارتسکف هر روز فهرست اهداف حملات را جز به جز کنترل و آن را تأیید می‌کند. همه این اهداف مورد شناسایی قرار گرفته‌اند. نظامیان آمریکایی با آگاهی کامل از وجود غیر نظامیان در پناهگاه، آن را نابود کرده‌اند. این جنایت، قابل توجیه نیست. انگیزه این وحشی‌گری را تنها این گونه می‌توان توضیح داد: کاخ سفید و پنتاگون تصمیم راسخ گرفته‌اند که اگر بتوان با کشتن صدها نظامی و غیر نظامی عراقی، جان یک سرباز آمریکایی را در حمله زمینی با کشتن صدها نظامی و غیر نظامی، جان یک سرباز آمریکایی را در حمله زمینی نجات داد، نباید از دست زدن به آن جنایت فروگذار کرد. حساب آنها روشن است: در این دنیای ناعادلانه، آنچه ارزش ندارد جان انسانهای "جهان سومی" است. قربی‌ها تا نقش‌های نظامیان شان دسته دسته از جنگ برنگردد، "تکان" نمی‌خورند. پس برای اینکه "تکان" نخورند، باید دست به هر کاری زد تا شمار قربانیان مو بور و چشم آبی کمتر شود. به این حسابگری جنایتکارانه باید این را نیز افزود که آمریکایی‌ها برای سنجیدن واکنش افکار عمومی بین‌المللی، احتیاج به یک آزمایش داشتند. آنها بقیه در صفحه ۳

در بیانیه بغداد آمده است: "شورای فرماندهی انقلاب برای دستیابی به یک راه حل شرافتمندانه و پذیرفتنی سیاسی، تصمیم به قبول قطعنامه ۶۶۰ سال ۱۹۹۰ شورای امنیت سازمان ملل متحد، از جمله بند مربوط به عقب نشینی عراق گرفته است." این بیانیه می‌افزاید عقب نشینی عراق باید با آتش بس و بازگشت اوضاع به حال عادی، به گونه‌ای که گویا حادثه‌ای رخ نداده است،

انقلاب عراق که صبح روز جمعه از رادیو بغداد خوانده شد، دولت این کشور خواهان برقراری فوری آتش بس، عقب نشینی نیروهای بیگانه از منطقه خلیج فارس، بخشودگی همه بدعی‌های خارجی عراق، بازسازی ویرانی‌های ناشی از جنگ در عراق توسط کشورهای شرکت کننده در حمله به این کشور و نیز چشم پوشی از هرگونه اقدام انتقام جویانه علیه عراق شده است.

چهار هفته پس از آغاز جنگ خلیج فارس، روز جمعه ۲۶ بهمن (۱۵ فوریه) عراق بطور غیر منتظره‌ای اعلام کرد که آماده پیروی از قطعنامه ۶۶۰ سازمان ملل متحد و بیرون بردن نیروهایش از کویت است. این اعلام آمادگی به تحقق یک سلسله شرایط از جمله عقب نشینی اسرائیل از مناطق اشغالی فلسطین، منوط شده است. در بیانیه شورای فرماندهی



ریچار دچینی وزیر دفاع آمریکا، یک "بمب پرنده را که باید بر سر مردم عراق ریخته شود امضای کند.

در حمله هوایی به یک پناهگاه صدها عراقی کشته شدند

آوردند بودند، انفجار بمب و آتش سوزی در درون پناهگاه، چمنی ایجاد کرد که صدها تن در آن ریز آوار، در شعله‌های آتش و یا بر اثر

در نخستین ساعات باامداد چهارشنبه ۲۴ بهمن (۱۳ فوریه) یک پناهگاه غیر نظامی در بغداد هدف بمباران یک جنگنده بمب افکن آمریکایی از نوع اف ۱۱۷-ای (استلت) قرار گرفت. دو بمب به این هدف اصابت کرد و باعث انفجار شدیدی در درون پناهگاه شد. این پناهگاه از مدت‌ها پیش مورد استفاده مردم غیر نظامی بغداد قرار داشت و در شب حادثه نیز، صدها نفر که اکثر آنها را زنان و کودکان و سالخورده‌گان تشکیل می‌دادند، از بمبارانهای موائی و موشکهای آمریکا و متحدانش به آن پناه

آوردند بودند، انفجار بمب و آتش سوزی در درون پناهگاه، چمنی ایجاد کرد که صدها تن در آن ریز آوار، در شعله‌های آتش و یا بر اثر

همراه باشد، بدون اینکه عراق به هر دلیلی متحمل عواقبی منفی گردد. بیانیه مزبور تأکید می‌کند آتش بس مورد نظر باید شامل "قطع فوری و کامل همه عملیات نظامی در زمین، دریا و هوا" باشد. این بیانیه، خاطر نشان می‌سازد عقب نشینی عراق باید با عقب نشینی نیروهای آمریکا و همه کشورهای دیگری که در "تجاوز" شرکت کرده‌اند، از خلیج فارس و خاورمیانه همراه گردد، و همه نفرات و سلاحها از خلیج فارس بیرون برده شود، از جمله سلاح‌هایی که برخی کشورها در ارتباط با جنگ خلیج فارس به اسرائیل داده‌اند. بیانیه عراق می‌افزاید عقب نشینی در طرف باید ظرف یک ماه پس از برقراری آتش بس همه جانبه، به پایان رسد.

در بیانیه عراق آمده است: "عقب نشینی عراق باید با عقب نشینی اسرائیل از فلسطین و مناطق اشغالی عربی و بلندی‌های جولان در انطباق با قطعنامه‌های شورای امنیت و مجمع عمومی سازمان ملل متحد همراه باشد. اگر اسرائیل از عقب نشینی خودداری کند، شورای امنیت سازمان ملل باید علیه اسرائیل همان قطعنامه‌هایی را که علیه عراق وضع کرد، تصویب کند." بیانیه می‌افزاید "حقوق تاریخی عراق" در زمین و دریا باید مد نظر قرار گیرد این بیانیه خاطر نشان می‌کند راه حل سیاسی باید در مورد کویت "اراده مردم دایر بر تحقق دمکراسی واقعی و نه امتیازات قصی توسط خاندان صباح" را در نظر بگیرد. در ادامه بیانیه آمده است "همه نیروهای اسلامی و ملی باید در راه حل سیاسی در کویت شرکت داده بقیه در صفحه ۳



سیل زندگان به حال خود رها شده‌اند خطر سیل مجدد این منطقه محروم را تهدید می‌کند

نرسیده و هدم هماهنگی ارگان‌ها، دیر رسیدن کمک‌ها و نیروهای امدادی را به دنبال داشته است. گزارش خبرنگاران در چند روزه نخست، جاری شدن سیل حاکمیت: اکثر سیل‌زدگان در کنار جاده‌ها مستقر و بدون داشتن غذا و لباس گرم هستند و کودکان شیرخوار که شمارشان به ۵ هزار تن می‌رسد، از نظر شیر خشک در مضیقه بوده و در مرز تلف شدن هستند. به گزارش خبرنگار کیهان ۵ روز پس از جاری شدن سیل هیچ‌گونه کمک امدادی بقیه در صفحه ۷

روزنامه‌های دولتی تهران حاکی از آن است که عملیات امداد رسانی به سیل‌زدگان در وضعیت فوق‌العاده نازلی قرار دارد و دولت و نهادهای مسئول، قربانیان این فاجعه را در واقع به حال خود رها کرده‌اند. در حالیکه سران رژیم خود را با دادن وعده‌های شیرین در مورد حجم کمک‌ها و عملیات بازسازی مشغول کرده‌اند، خبرنگار اعزامی کیهان به منطقه (۱۶ بهمن) می‌نویسد: با گذشت ۵ روز از جاری شدن سیل، هنوز به‌بخش‌هایی از منطقه کمک

گزارش‌های رسیده از ایران حاکی است که بیش از صد هزار تن از قربانیان سیل اخیر در سیستان، بدون کمک‌های مؤثر دولتی به حال خود رها شده‌اند. سیل که از ۱۱ بهمن ماه گذشته با طغیان رودخانه هیرمند آغاز شد، بزرگترین سیل ۱۰۰ ساله اخیر کشور ما نامیده شده است. این سیل مناطق وسیعی از سیستان را دربر گرفت. بیش از ۱۰۰ هزار تن را بی‌خانمان ساخت و ۶۰۰ روستا را تخریب کرد و یا به‌تأصدمه رساند. گزارش خبرنگاران

اخباری از درگیری‌های درونی رژیم ومبارزات مردم

خواهم کرد. خلخالی پس از آن به شرح جنایات خود در ترکمن صحرا پرداخت و گفت: یک روز احمد آقا تلفنی مرا احضار کرد. نزد امام رفتم و ایشان را در بستر بیماری دیدم. آقا گفت: ترکمن صحرا در از دست می‌رود و من جز شما به کس دیگری اطمینان ندارم، آیا می‌توانی اوضاع را آرام کنی؟ گفتم: آقا به والله سر همه‌شان را برایتان می‌آورم. بر چهره خسته و بیمار آقا لبخندی ظاهر شد و ایشان در حق من دعا کردند. خلخالی سپس گفت: من با اعدام حدود ۳۰ نفر در آنجا توانستم اوضاع را آرام کنم. در اینجا دانشجویان انجمن اسلامی یک صدا به خنده افتادند و خلخالی که دریافت بود دروغش حتی برای دوستانش نیز باورکردنی نیست، خودش نیز به خنده افتاد و اضافه کرد: شاید آمار دقیق اعدام‌های گنبد نود و چند نفر باشد. وی به اعدام رهبران خلق ترکمن اعتراف کرد و گفت از جمله کسانی که در ترکمن صحرا اعدام کرده است، توماج، واحدی و جرجانی بوده‌اند. خلخالی در ادامه سخنانش گفت: پس از بازگشت به تهران در بیمارستان قلب که امام در آن بستری بود، بدیدن ایشان رفتم. به محض ورود از من سوال کردند: گنبد چه شد؟ من گفتم: آقا قضیه گنبد دیگر تمام شد. آقا نفس راحتی کشیدند و مجدداً مرادها کردند. خلخالی بقیه در صفحه ۳

نشریه "بانگ رهایی" ارگان کانون حمایت از زندانیان سیاسی ایران (داخل کشور) که به طور مخفیانه در ایران منتشر می‌شود، در شماره‌های شهریور - مهر و آبان خود اطلاعات تازه‌ای از درگیری‌های جناح‌های حکومتی در جریان انتخابات مجلس خبرگان و همچنین اعتراضات مردم علیه رژیم منتشر کرده است.

سخرانی جنجالی خلخالی در دانشگاه این نشریه، جریان سخرانی جنجالی ۱۴ مهر خلخالی در مسجد دانشگاه تهران را چنین نقل کرده است: با اینکه ساعت شروع سخرانی یک بعد از ظهر اعلام شده بود، با احساس این خطر که ممکن است جلسه مورد تهاجم هوامل چماق به دست حکومت قرار گیرد، خلخالی ساعت ۱۲/۵ شروع به صحبت کرد. وی پس از شرح کوتاهی از فعالیت‌های خویش در قبل از انقلاب به بیان احضار خویش از سوی خمینی در روز پس از پیروزی انقلاب پرداخت و گفت: آقا به من دستور داد که به عنوان حاکم شرع به جنایات هوامل شاه رسیدگی کنم. من گفتم: آقا در این کار خون فراوانی وجود دارد و کسانی که با من خوب نیستند مرا محکوم خواهند کرد و حتی ممکن است مرا ترور کنند. آقا گفت که من به تو حکم کتبی می‌دهم و هر گونه پشتیبانی که لازم است از تو

واکنش مثبت جمهوری اسلامی نسبت

به بیانیه شورای فرماندهی عراق

ولایتی و میخائیل گارباجف در دیدار خود در مسکو بیانیه عراق را مثبت خواندند

گورباچف و ولایتی بیانیه دولت عراق را «نشانه مثبتی» در جهت پایان دادن به جنگ نامیدند. آنها خاطر نشان کردند که در عین حال بسیاری از مطالب این بیانیه به توضیحاتی بستگی دارد که طارق مزیز فرستاده ویژه دولت عراق در مسکو خواهد داد. وزیر خارجه عراق روز یکشنبه به مسکو رفت. مقامات شوروی و ایران در دیدار روز شنبه تاکید کردند که مواضع ایران و شوروی در مورد جنگ خلیج فارس بسیار بهم نزدیک است. آنها گفتند بسیار مهم است که از انهدام عراق، تجزیه آن و نیز بمباران و کشتار انسانی بیگانه جلوگیری شود. در راستای تلاشهای مشترک دو کشور در جهت صلح گفته شد که بزودی الکساندر بسمرتنخ وزیر خارجه شوروی به ایران خواهد رفت. وزیرای خارجه ایران و شوروی روز جمعه گذشته در جریان سفر ولایتی به مسکو نیز با یکدیگر دیدار کرده بودند.

به گزارش رادیو تهران، هلی اکبر ولایتی ظهر روز شنبه به تهران بازگشت و در فرودگاه با سعدون حمادی معاون نخست وزیر عراق که همان روز وارد تهران شد دیدار و گفتگو کرد. از نتیجه این دیدار و نتایج سفر سعدون حمادی هنوز اطلاعی به دست ما نرسیده است. گزارش دیگری حاکیست که در اوایل هفته جاری یک هیئت ایرانی نیز به بغداد خواهد رفت. این هیئت در جریان سفر خود قرار است با صدام حسین دیدار کند.

دیدار ولایتی با وزیر خارجه عربستان

اعلام کرده و ضمن بیان مخالفت خود با اشغال کویت، مخالفت جمهوری اسلامی نسبت به حضور نیروهای بیگانه در منطقه به ویژه سرزمین مقدس وحی را به وزیر خارجه عربستان اعلام کردیم. بنا به گزارشات منتشره در این ملاقات گفتگو پیرامون از سرگیری مناسبات دو جانبه بین جمهوری اسلامی و عربستان نیز مورد بررسی قرار گرفته است و درباره ادامه این مذاکرات توافق شده است. گزارش های دیگر حاکی از آن است که هر دو کشور برای از سرگیری مناسبات با احتیاط عمل می کنند و به ویژه جمهوری اسلامی حمله چنانچه برای آغاز روابط رسمی ندارد.

خط امامی نسبت به رابطه با عربستان سعودی حاسبت ویژه ای نشان می دهند. خمینی در وصیتنامه خود، «سران جهان» را به شدت مورد حمله قرار داده و هرگونه رابطه با آنها را منع کرده بود.

اعلام آمادگی جمهوری اسلامی برای مداوای مجروحین عراقی

واکنشهای بسیار تندى نشان دادند. جمهوری اسلامی طی ۲ هفته گذشته با کمک صلیب سرخ جهانی ۲ محموله حاوی وسایل پزشکی و بهداشتی را نیز از طریق ایران به عراق فرستاده بود.

جمهوری اسلامی ایران نیز به گروه کشورهایی پیوست که نسبت به بیانیه اخیر شورای فرماندهی انقلاب عراق، مبنی بر پذیرش مشروط قطعنامه ۶۶۰ شورای امنیت سازمان ملل متحد، واکنش مثبت نشان داده اند. شورای عالی امنیت ملی به ریاست هاشمی رفسنجانی عصر روز شنبه ۲۷ بهمن (۱۶ ژانویه)، در یک جلسه فوق العاده بیانیه شورای فرماندهی عراق را مورد بررسی قرار داد. به گزارش رادیو تهران شورای عالی امنیت این بیانیه را اقدام مثبتی خواند که می تواند آغاز حرکتی در جهت پایان مسالمت آمیز جنگ زیانبار در خلیج فارس باشد. شورای عالی امنیت از تاخیر عراق در آنچه که پذیرش قطعنامه ۶۶۰ خواند، ابراز تأسف نمود و از طرف مقابل خواست که نسبت به این اقدام عراق حسن نیت نشان دهد. شورای عالی امنیت ملی در عین حال خاطر نشان ساخت که بمباران نقاط مسکونی عراق توسط نیروهای چند ملیتی را مقایسه با قطعنامه های سازمان ملل می داند.

پیش از این، هلی اکبر ولایتی وزیر خارجه رژیم در مسکو، موضع مشابهی را اتخاذ کرده بود. ولایتی که پس از دیدار با جولیو آندرووتی نخست وزیر ایتالیا در رم، به مسکو رفته بود، صبح روز شنبه با میخائیل گورباچف رئیس جمهور شوروی دیدار و گفتگو کرد. به گزارش خبرگزاری تاس

دولت هاشمی رفسنجانی با استفاده از هنگامه ناشی از جنگ و دیپلماسی به شدت فعال خود، گامهای بزرگی در جهت برقراری رابطه با شیاطین کوچک و بزرگ به جلو برمی دارد. پس از هلنی شدن تماسهای دولت با آمریکا از طریق سفارت سوئیس توسط رفسنجانی، که هفته گذشته توسط ولایتی مجدداً مورد تأیید و تاکید قرار گرفت حکومت تهران اقدام موثری در جهت احیای رابطه با عربستان سعودی به عمل آورد.

روز چهارشنبه ۲۴ بهمن (۱۳) ژانویه، هلی اکبر ولایتی وزیر خارجه جمهوری اسلامی در حاشیه کنفرانس خلع سلاح در ژنوا شاهزاده سعود الفیصل وزیر خارجه عربستان دیدار کرد. ولایتی در کنفرانس مطالبات خود در ژنوا در توضیح ملاقات خود با سعود الفیصل خاطر نشان ساخت: ما در این دیدار نظرات اصولی جمهوری اسلامی ایران در قبال جنگ در منطقه خلیج فارس را

در حالیکه جمهوری اسلامی از ابراز واکنش رسمی از طریق بیانیه دولتی علیه جنایت وحشیانه آمریکا و کشتار صدها غیر نظامی عراقی در پناهگاه‌الهامریه عراق خودداری کرد. مقامات حکومتی در بیانان خود نسبت به این جنایت

شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) قتل عام وحشیانه صدها زن و کودک در پناهگاه الهامریه بغداد را با شدت تمام محکوم می کند. شورای مرکزی سازمان کشتار مردم عراق توسط آمریکا و متحدینش و موشک باران مردم کشورهای اسرائیل و عربستان توسط رژیم صدام راه یکسان احمالی غیر انسانی می داند و آنها را محکوم می شناسد. فاجعه قتل عام انسانها در پناهگاه الهامریه و ریزش هر روز هزاران تن بمب و انواع موشک بر سر مردم بیگناه منطقه، بزرگترین دلیل جنایتکارانه بودن جنگ کنونی است. این جنگ باید بدون قید و شرط پایان یابد. جامعه جهانی میتواند و باید اراده خود برای خروج نیروهای چند ملیتی از منطقه، عقب نشینی عراق از کویت و حل سایر اختلافات در این منطقه را از طریق مسالمت آمیز، بر جنگ طلبان امریکائی و دیکتاتور بغداد تحمیل کند.

شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

پنجشنبه ۲۵ بهمن ۱۳۶۹ (۱۴ ژانویه ۹۰)

جمهوری اسلامی و جنگ خلیج فارس

صدام حسین پیشنهاد هاشمی رفسنجانی را رد کرد

جمهوری اسلامی مذاکره کرد. به گزارش خبرگزاریها او در توقف دوم خود در تهران، حاضر نشد جزئیات مذاکراتش با صدام حسین را در اختیار مقامات جمهوری اسلامی قرار دهد. امتناع حکومت تهران از تأیید پاسخ منفی صدام حسین به پیام کتبی هاشمی رفسنجانی، ناشی از این واقعیت است که جمهوری اسلامی می خواهد، همچنان در مرکز تحولات سیاسی و دیپلماتیک مربوط به جنگ خلیج فارس قرار داشته باشد تا از این طریق بتواند نقش بیشتری در تغییر و تحولات در منطقه ما به ویژه پس از پایان جنگ بر عهده گیرد. اما بنظر نمی رسد حکومت تهران قادر به اجرای این نیت خود باشد.

شامل صدور اعلامیه دولت عراق مبنی بر قصد خروج از کویت و پایان یافتن هم زمان کلیه مناقشه ها و نظارت سازمان ملل بر خروج نیروها تمهیه کردند. بعدا گفته شد

که این طرح به یک طرح ۴ ماده ای با توافق یوگسلاوی تغییر کرده است. این طرحی است که به مجلس شورای ایران غیر متعهد ارائه نشد و یا مورد پذیرش قرار نگرفت.

اجلاس بی نتیجه بلگراد، آمید هائی را که به نقش غیر متعهدا برای یافتن یک راه حل صلح بسته شده بود، دست کم در شرایط فعلی نقش بر آب کرد.

هواپیماها تا پایان جنگ بنظر میرسد که مقامات فریبی حساسیت اولیه نسبت به این موضوع را از دست داده اند. این هواپیماها برای آنکه آماده جنگ شوند باید بطور مداوم مورد تغییرات و بازبینی های تخصصی قرار گیرند و جمهوری اسلامی چنین امکانی را ندارد.

هلی اکبر ولایتی در مصاحبه با شبکه تلویزیونی سی. بی. اس. تعداد هواپیماهای فرود آمده در ایران را ۲۲ فروند اعلام کرد در حالیکه مقامات امریکائی و انگلیسی از ۱۵۰ فروند هواپیما سخن می گویند.

افزود صدام حسین در نامه خود به موضوعات مختلفی اشاره کرده است و من با توجه به این نامه می توانم به شما بگویم که امید ما تقویت شده است. او گفت ایران به زودی یک هیئت صلح به بغداد خواهد فرستاد. وی حاضر به اقبالی جزئیات نامه صدام حسین نشد و گفت امید ایران به صلح هم به سبب محتوای نامه صدام حسین است و هم در اثر دیدار فرستاده ویژه دولت شوروی به عراق، با مقامات جمهوری اسلامی در تهران می باشد.

یوگنی پریماکف فرستاده ویژه دولت شوروی به عراق که روز سه شنبه هفته گذشته با صدام حسین در بغداد ملاقات کرد، پیش و بعد از سفر خود به پایتخت عراق در تهران توقف نمود و با مقامات

تلاش ناموفق غیر متعهدا

نزدیک به هیئت ایرانی شرکت کننده در کنفرانس ضمن سخنانی پیرامون این مطلب خاطر نشان ساخت امکان ارائه طرح صلح بسیار کم است و هرگونه طرحی نیز به هیچ وجه امکان موفقیت ندارد. وی تاکید کرد اصرار برای ارائه طرح صلح از طرف بعضی کشورها می تواند اجلاس را به بن بست بکشاند و راه تلاشهای صلح در آینده را مسدود کند.

همیرهم این موضع جمهوری اسلامی جزو کشورهای ارائه دهنده طرح صلح به اجلاس بود. به گزارش خبرگزاری یونایتد هندوستان، جمهوری اسلامی و هندوستان یک طرح ۳ ماده ای

کردیم و هواپیماهای ما جلوی آنها ایستادند ولی نشد که آنها را برگردانند. هلی اکبر ولایتی نیز روز سه شنبه هفته گذشته در یک مصاحبه با شبکه تلویزیونی سی. بی. اس. آمریکا گفت: بعضی کشورها از بی طرفی مانا راضی هستند و پیرامون هواپیماها هیاهو می کنند. اما ما با آگاهی کامل نسبت به حقوق یک کشوری طرف عمل می کنیم. وی فاش ساخت که تعدادی از خلبانان این هواپیماها از جمهوری اسلامی تقاضای پناهندگی کرده اند. با توجه به اطمینان های مکرر دولت جمهوری اسلامی مبنی بر توقف

حمله وحشیانه هواپیماهای امریکائی به یک پناهگاه زیر زمینی در بغداد و قتل عام صدها انسان بیگناه تنها در ظرف چند ثانیه، لکه ننگی است که جنگ طلبان بر دامان بشریت نهادند. نه تلاشهای دولتمردان و ژنرالهای امریکائی برای اثبات نظامی بودن این پناهگاه و توجیه این قتل عام و نه جنگ و جدالهای واشنگتن و بغداد برای مقصر جلوه دادن یکدیگر، چیزی از واقعیت تلخ این فاجعه تکان دهنده کم نمی کند. اکنون یک ماه است که آمریکا و هم پیمانانش به کشتار هر روز مردم عراق و ویرانی و انهدام آن کشور مشغولند. در حالیکه پیش از شروع جنگ از پیروزیهای سریع و برق آسا کم در سخن می رفت، یک ماه پس از آغاز شخم زدن هر روز سرزمین عراق توسط انواع بمبها و موشکهای هنوز پایانی بر این تراژدی دردناک متصور نیست. امریکائیان به بهانه آماده ساختن شرایط تهاجم زمینی و احتراز از دادن تلفات، به خاطر کشته شدن کمتر یک سرباز امریکائی، گروه گروه مردم بیگناه منطقه را در آتش بمبهای خودی می سوزانند. چنین منطقی جنایتکارانه و غیر انسانی است. آنها به بهانه مبارزه با تجاوزگری و در حقیقت بخاطر تحکیم نقش خود بعنوان رهبر جهان به کشتار یک ملت و انهدام یک کشور کمر بسته اند.

است! اما مقامات جمهوری اسلامی هنوز حاضر نشده اند این موضوع را تأیید کنند. هلی اکبر ولایتی وزیر خارجه جمهوری اسلامی در روز ۲۲ بهمن گفت که ایران پاسخ صدام حسین را با حسن نیت تلقی کرده و امکان حل مسالمت آمیز بحران را منتفی نمی داند. وزیر خارجه جمهوری اسلامی در کنفرانس مطبوعاتی خود در ژنوا در ۲۵ بهمن ماه (۱۴ ژانویه) بار دیگر مدعی شد که

پاسخ صدام حسین به برخی از پیشنهادها ی ایران در مورد صلح امید جمهوری اسلامی را در مورد استقرار صلح در خلیج فارس بیشتر کرده است. ولایتی خاطر نشان ساخت پاسخ صدام حسین به پیام هاشمی رفسنجانی در تهران در دست مطالعه قرار دارد. وی

در مورد قطعنامه هاجایز نیست و تا مین حاکمیت کویت بر آتش بس تقدم دارد. چنین موضعی با موضع بسیاری از کشورهای غیر متعهد تفاوت دارد. با این حال لازم به یادآوری است که کشورهای غربی درگیر در جنگ و به ویژه آمریکا در آستانه و جریان این اجلاس به تبلیغات زیادی در جهت برجسته کردن اختلافات میان کشورهای عضو، به منظور جلوگیری از تصویب یک طرح صلح جامع دست زدند. رژیم جمهوری اسلامی نیز در آستانه این جلسه با ارائه طرح صلح به شدت مخالفت کرده بود. به گزارش رادیو ایران یک منبع

مدعی شد که فرار این هواپیماها به ایران با قرار قبلی بوده است. او گفت: این یک اقدام نظامی ضروری برای حفظ قدرت هوایی عراق بوده است. همیرقم اظهار نظرهای فوق جمهوری اسلامی ورود هواپیماها با توافق قبلی را به شدت تکذیب می کند. دو هفته پیش هاشمی رفسنجانی در کنفرانس مطبوعاتی خود گفته بود: آمدن هواپیماها خارج از اراده ما بوده است و قبالا عراقی ها اصلا مسئله را با ما طرح نکردند، که هواپیماهای جنگی می خواهند به ایران بیایند. روزهای اول ما یک مقدار مقاومت

با پاسخ منفی صدام حسین به پیام کتبی هاشمی رفسنجانی در روز ۲۱ بهمن ماه کوشش جمهوری اسلامی برای بدست گرفتن ابتکار صلح در جنگ خلیج فارس به شکست انجامید. ابتکار صلح جمهوری اسلامی برای نخستین بار در کنفرانس مطبوعاتی ۱۵ بهمن ماه (۴ فوریه)

رفسنجانی اعلام شد. وی در این کنفرانس اعلام کرد که از طریق سعدون حمادی معاون نخست وزیر عراق پیامی کتبی برای صدام حسین فرستاده و ایده ای ر طرح کرده که اگر رئیس جمهور عراق آنرا بپذیرد، آنگاه می توان طرح صلحی ارائه داد. بنا به گزارش خبرگزاریها صدام حسین در پاسخ کتبی خود به هاشمی رفسنجانی پیشنهاد او را رد کرده

از جمله تلاشهای ناموفق برای صلح در هفته گذشته جلسه ویژه وزرای خارجه گروهی از کشورهای عضو جنبش عدم تعهد در بلگراد بود. این اجلاس که در روز سه شنبه ۲۳ بهمن ماه کار خود را آغاز کرد، بدون اخذ نتیجه ای به پایان رسید. مواضع بسیار متفاوت کشورهای عضو که از مصر تا کویت را در بر می گرفت، مانع دست یابی به هرگونه توافق و طرح مشخصی برای مقابله با جنگ خلیج فارس گردید. به گزارش رادیو آمریکا وزیر خارجه یوگسلاوی که ریاست جنبش را بر عهده دارد در سخنرانی خود تاکید کرد که هیچ گونه مصالحه ای

رفسنجانی: هواپیماها همیرقم مین ما آمده اند

ماجرای فرار هواپیماهای عراقی به ایران همچنان در حاله ای از ابهام قرار دارد. در حالیکه بسیاری از مقامات سیاسی و نظامی غرب مدعی اند که فرار این هواپیماها با قرار قبلی طرفین در جریان سفر سرت ابراهیم معاون صدام حسین به تهران صورت گرفته. هفته گذشته سعدون حمادی معاون نخست وزیر عراق نیز بهنگام سفر خود به الجزایر این فرضیه را تأیید کرد و

عراق آمادگی خود را برای تخلیه کویت اعلام کرد

بته از صفحه اول

شوند". عراق در بیانیه خود خواهان لغو بدهی های عراق و همه کشورهای شده است که بطور مستقیم یا غیر مستقیم از جنگ آسیب دیده اند. این بیانیه می افزاید: "ما خواهان ایجاد رابطه میان کشورهای ثروتمند و فقیر منطقه و جهان بر مبنای عدالت و بگونه ای هستیم که کشورهای فنی تعهدات صریح در پیشرفت کشورهای فقیر بعهد بگیرند".

دولت آمریکا بیانیه عراق را رد کرد. جرج بوش دولت عراق را متهم کرد "امید مردم عراق و سراسر جهان را تبدیل به یاس کرده است. رئیس جمهور آمریکا گفت در پیشنهاد بغداد "چیز تازه ای وجود ندارد" و تنها عراق برای نخستین بار پذیرفته است که باید از کویت عقب نشینی کند. سخنگوی کاخ سفید اظهار داشت دولت آمریکا خواهان "گام های فوری و مشخص" عراق در عقب نشینی از کویت است و افزود قعنامه شورای امنیت، خواهان

عقب نشینی بدون قید و شرط عراق شده است. این سخنگو گفت از آنجائی که در پیشنهاد عراق "نشانه ای از تحول" دیده نمی شود، جنگ تا "آزادی کویت" ادامه خواهد یافت.

شوروی آمادگی عراق برای عقب نشینی از کویت را مثبت ارزیابی کرد. ویتالی ایگناتنکو سخنگوی گارباچف رئیس جمهور شوروی گفت: "خبر مثبت از بغداد، در مسکو با خرسندی و امید دریافت شد." این سخنگو افزود کشورش اکنون بی صبرانه منتظر سفر طارق عزیز وزیر خارجه عراق است که روز یکشنبه ۲۸ بهمن (۱۷ فوریه) برای مذاکره پیرامون جنگ خلیج فارس به مسکو می رود. یک سخنگوی دیگر شوروی اظهار داشت بیانیه جدید عراق، تأییدی بر ارزیابی هائی است که دولت شوروی پس از تماسهای اخیر با رهبری عراق در بغداد بدان رسیده بود. این سخنگو گفت: "به نظر من

موضع گیری در این باره پیش از روشن شدن چند نکته، زود رس است." وی افزود با این حال بیانیه عراق تا درجه معینی تأییدی بر محتوای گفتگوهای یوگنی پریماکف فرستاده ویژه گارباچف به عراق با مقامات این کشور است.

پریماکف هفته گذشته در بغداد با صدام حسین رئیس جمهور عراق مذاکره کرد تا راه های جلوگیری از آغاز جنگ زمینی را جستجو کند. وی در بازگشت از عراق گفت "بارقه ای امید" می بیند.

دولت های انگلیس، فرانسه و آلمان موضعی مشابه موضع دولت آمریکا گرفتند و خواهان عقب نشینی بی قید و شرط عراق از کویت شدند. در همین حال سخنگوی وزارت خارجه فرانسه گفت باید منتظر بود و دید طارق عزیز در سفر به مسکو چه خواهد گفت، و افزود اگر موضع بغداد مطابق با پیشنهادهای ۱۴ ژانویه شورای امنیت باشد، قطعاً موقعیت جدیدی ایجاد شده است.

متن قطعنامه ۶۶۶ شورای امنیت

عراق در بیانیه اخیر خود اعلام کرده است که حاضر است قطعنامه ۶۶۶ شورای امنیت را بپذیرد به شرطی که از جمله، همه قطعنامه های بعدی شورای امنیت در باره بحران کویت، شامل تحریم اقتصادی عراق و مجازات این کشور بابت اشغال کویت، لغو شود. متن قطعنامه ۶۶۶ که شورای امنیت در سوم اوت ۱۹۹۰، یک روز پس از حمله عراق به کویت تصویب کرد چنین است: "شورای امنیت همیقا از تصرف کویت توسط نیروهای مسلح عراق در دوم اوت ۱۹۹۰ نگران است، خاطر نشان می کند که اشغال کویت توسط عراق، نقض صلح جهانی و امنیت بین المللی است، مطابق مواد ۳۹ و ۴۰ منشور سازمان ملل متحد فعال می شود،

۱- اشغال کویت توسط عراق را محکوم می کند،

۲- خواستار این است که عراق همه نیروهای مسلح خود را فوراً بدون قید و شرط به مواضعی فراخواند که در اول اوت ۱۹۹۰ در آن مستقر بودند

۳- عراق و کویت را فرا می خواند فوراً مذاکرات همه جانبه ای برای حل و فصل اختلافات آغاز کنند، و از همه تلاشها در این جهت، به ویژه تلاشهای کشورهای عربی، حمایت می کند

۴- تصویب می کند که در صورت لزوم برای بررسی اقدامات دیگری جهت اجرای این قطعنامه بار دیگر تشکیل جلسه دهد."

"نظم نوین" به سبک آمریکایی

بته از صفحه اول

برخلاف ادعاهای رسمی شان که برای تحمیق و خام کردن مردم کشورهای در غربی صورت می گیرد و "کوتاه" بودن جنگ خلیج فارس است، حساب مراحلی از جنگ را نیز کرده اند که ناچار شوند باز هم بیشتر به اهداف غیر نظامی حمله کنند تا عراق را به زمین سوخته تبدیل نمایند. ابعاد این جنایت، آنچنان گسترده خواهد بود که پنهان کردنش دیگر امکان نخواهد داشت. دولت آمریکا مجبور خواهد شد در چنین مرحله ای رسماً اعتراف کند که برای "خالی کردن پشت جبهه صدام حسین" و "شوراندن مردم" مناطق مسکونی و اهداف غیر نظامی را بمباران می کند. این احتمال وجود دارد که حمله به پناهگاه بغداد، تمرین چنین مرحله ای بوده است، تمرین از دو لحاظ: ۱- واکنش عراق چه خواهد بود؟ آیا عراق اجازه انتشار وسیع عکس ها و فیلم ها و گزارش های مربوط به این کشتار را خواهد داد؟ ۲- در غرب و سایر کشورها ابعاد خشم و نفرت ابراز شده چه خواهد بود؟ اگر فرض کنیم که بمباران پناهگاه بغداد، تمرین جنایات بعدی بوده است، نظامیان آمریکائی همداهدنی را انتخاب کرده اند که در صورت لزوم بتوانند ادعا کنند مورد استفاده نظامی قرار داشته است. اثبات دروغ بودن چنین ادعائی دشوار است، چرا که در تعریف آمریکائی ها، یک مرکز تلفن هم "هدف نظامی" است.

حادثه هفته گذشته که از لحاظ یک قطعه عطف است که از این پس می توان با استناد به این جنایت هولناک، چهره زشت جنگ را موثرتر و تکان دهنده تر نشان داد، و نیز از این لحاظ که قاعدتا باید کسانی را که علیه هم آهز جنگ توسط آمریکا، هنوز به "نظم نوین" از نوع آمریکائی آن و همانگونه که بوش اعلام کرد آمریکائی ان را درک می کنند، امید بسته و دچار توهم بودند آنچنان که آمریکائی ان را درک می کنند، به خود آورده باشد، فرض را بر این می گذاریم که رهبران شوروی نیز در دام این گونه توهمات گرفتار بوده اند.

"نظم نوین" می که جرج بوش می خواهد، مشخصات معینی دارد که دیگر رؤس آن آشکارتر از امروز روشن نمی شود:

-نظم تا عادلانه ای که دنیا را به انسانهای درجه اول و درجه دوم تقسیم می کند.

- نظامی که در آن، اگر قدرتمندان تشخیص دهند که برای حفظ قدرتشان باید انسانها، به ویژه انسانهای "درجه دوم" را قربانی کنند، مجازند چنین کنند.

-نظمی که جهان قدرتمند و ثروتمند آن، یک قطب دارد که نامش ایالات متحده آمریکا است.

این است آن "نظم نوینی" که رئیس جمهور آمریکا در یک نطق اخیر خود، از سخن گفت، اوجی تصریح کرد که آمریکارهب "جهان جدید" هرکس "نواندیشی" است، باید تکلیف خود را با این نظم آمریکائی معلوم کند. هیچ تردیدی نیست که باید برای برقراری روابطی عادلانه و نظم نوین در دنیا جنگید. اما نخستین شرط برقراری این چنین نظمی، مبارزه علیه آن روابط بین المللی است که شرکت های آمریکائی می خواهند و این کشور رهبر و ارباب آن خواهد بود. ما مدافع چنین نظم نوینی هستیم.

بته از صفحه اول

ن توانسته بود آتش را خاموش کند. فطمت دود و گازهای خفه کننده درون پناهگاه به حدی بود که تیم های امداد نمی توانستند به یاری مجروحان در طبقات پائین پناهگاه بشتابند. صبح روز چهارشنبه، محوطه جلوی این پناهگاه بتونی شاهد منظره تکان دهنده ای بود: قطعات سوخته و نیم سوخته اجساد قربانیان را از ویرانه پناهگاه بیرون می آوردند و کنار هم قرار می دادند. بستگان قربانیان حادثه، شیون و زاری می کردند. بسیاری از آنها از سرنوشت عزیزان خود بی خبر بودند. زنان مرادار با خشم و کینه ای برحق، خبرنگاران غربی را خطاب قرار می دادند و از آنها می پرسیدند: "جرج بوش از جان ما چه می خواهد؟" بسیاری از مردمی که شاید تا آن روز دل خوشی از رژیم صدام حسین نداشتند، علیه آمریکا، علیه آمریکا و بر له دولت کشورشان شعار می دادند. وزیر بهداری عراق با حضور در محل پناهگاه تاکید کرد که این حمله، کاملاً هدفمند و با نقشه قبلی بوده است.

واکنش های بعدی مقامات نظامی و غیر نظامی آمریکائی نیز نشان داد که حمله به پناهگاه بغداد "تصادفی" نبوده است. سخنگویان ارتش آمریکا گفتند که این پناهگاه از مدتی پیش در فهرست اهداف حملات هوائی بوده است. در همین حال آمریکائی ها مدعی شدند که پناهگاه مزبور مورد "استفاده نظامی" قرار داشته است و عراق در آن یک "مرکز مخابراتی و فرماندهی" مستقر کرده بود، ادعائی که بر خلاف گزارشهای اولیه دایر بر اینکه بزودی "مذاکر" اثبات آن ارائه خواهد شد، همچنان یک ادعا باقی ماند و به احتمال زیاد یک دروغ بی شرمه بیش نیست.

رچارد چنی وزیر دفاع ایالات متحده پس از انتشار خبر حادثه هولناک پناهگاه بغداد نیز گفت آمریکا و متحدانش می خواهند به جنگ هوائی علیه عراق بدون کاستن از ابعاد آن ادامه دهند، حتی اگر این جنگ باز هم افراد غیر نظامی را به قربانی بگیرد. وزیر دفاع آمریکا ادعا کرد رژیم عراق از غیر نظامیان کشته شده در حملات هوائی بعنوان "سپری های استراتژیک استفاده کرده است. چنی گفت: "من بنا را بر این می گذارم که این اتهام امکان پذیر است که صدام احتمالاً غیر نظامیان را تشویق کرده است به نقاطی بروند که می داند ما آنها را دارای اهمیت نظامی می دانیم. اما برای این امکان ندارد با اطمینان بگویم این امر صحت دارد یا نه."

ژنرال تامس کلی از مقامات پنتاگون بعنوان شاهی بر ادعای آمریکا مبنی بر "نظامی" بودن پناهگاه تنها گفت "دیده شده است" که افراد نظامی به درون پناهگاه رفته اند و اتومبیل های نظامی در برابر آن پارک کرده اند. این سخنگوی آمریکائی اعتراف کرد که پناهگاه مزبور در طول جنگ ایران و عراق، یک پناهگاه غیر نظامی بوده است، اما مدعی شد که در سالهای پس از این جنگ، پناهگاه به یک مرکز فرماندهی نظامی تبدیل شده است. ژنرال کلی ادعا کرد که آمریکا و هم پیچانش نمی دانسته اند که افراد غیر

در حمله هوایی به یک پناهگاه صدها عراقی کشته شدند

نظامی نیز از پناهگاه استفاده می کنند. فرماندهی ارتش آمریکا در ریاض مدعی شد سرویس های جاسوسی آمریکا قبل از حمله تحقیق نکرده اند که پناهگاه مورد استفاده غیر نظامی نیز قرار داشته است یا نه.

تا ساعت ها پس از انفجار پناهگاه بغداد، شمار قربانیان این جنایت نامعلوم بود. در حالی که فرماندهی ارتش عراق در یک بیانیه در روز پنجشنبه، این تعداد را ۶۴ نفر اعلام کرد، بعداً معلوم شد که این رقم تنها مربوط به اجساد شناسائی شده است. سازمان دفاع غیر نظامی عراق اعلام کرد که در حمله مزبور حداقل ۷۵۰ و حداکثر ۱۵۰۰ نفر کشته شده اند. شامگاه چهارشنبه مقامات عراقی گفتند که تا آن زمان ۲۳۵ جسد از همه خبرنگاران خارجی که در محل حضور یافتند، گزارش دادند که هیچ نشانه ای دایر بر استفاده نظامی عراق از پناهگاه دیده نشده است. محوطه پناهگاه را یک حفاظ ساده توری محصور می کند.

سفیر عراق در سازمان ملل بیانیه های آمریکا در ارتباط با حمله هوائی به پناهگاه بغداد را مجلواز "تکبر و دروغ" خواند و گفت حمله به غیر نظامیان، بی رحمانه و با قساوت انجام گرفته است. وی افزود آشکار است که آمریکائی کوشد با بمباران شهرها، پل ها و تاسیسات غیر نظامی، روحیه مردم عراق را خرد کرده و اراده آنها را بشکنند. طارق هریز وزیر خارجه عراق، پسر دو کولیتر دبیر کل سازمان ملل را فراخواند حمله به پناهگاه را بعنوان یک "جنایت مشمئز کننده" محکوم کند.

در تلاش برای توجیه حمله هوائی به پناهگاه غیر نظامی بغداد، مقامات آمریکائی مدعی شدند که عراق به همد مراکز فرماندهی نظامی را در مناطق غیر نظامی مستقر کرده است.

وزیر دفاع ادعا کرد دو هواپیمای نظامی عراق در نزدیکی یک هرم باستانی که جزئی از میراث فرهنگی عراق است، دیده شده اند. همچنین پنتاگون این گزارش را منتشر کرد که زیر زمین هتل "رشید" بغداد یک مرکز مخابراتی مهم است که از طریق آن، فرماندهی ارتش عراق نیروهای خود در جبهه در تماس است.

بلافاصله پس از انتشار این گزارش، مدیر هتل مزبور که خبرنگاران غربی در آن اقامت دارند، به خبرنگاران اجازه داد که از همه نقاط ساختمان هتل، از جمله زیر زمین آن، بازدید کنند. خبرنگاران گزارش دادند که در زیر زمین هتل رشید، تنها مرکز تلفن خود هتل را دیده اند که دستگاهها و تجهیزات آن بسیار ساده و معمولی بوده است.

در کشورهای منطقه، خبر کشتار صدها غیر نظامی عراقی توسط نیروی هوائی آمریکا موجی از خشم و نفرت را باعث شد. در اردن، تونس و الجزایر عزای عمومی اعلام گردید. در مقابل، حسنی مبارک رئیس جمهور مصر گفت مرگ غیر نظامیان، در "طبیعت جنگ" است.

دولت تونس، حمله آمریکا را "نقض وحشیانه و فاحش

قانون" دانست. ملک حسین پادشاه اردن این حمله را "کشتاری هولناک" خواند. وی روز پنجشنبه در نامه ای به دبیر کل سازمان ملل خواهان قطع بمباران عراق شد. در این نامه، از قطعنا به ۶۷۸ شورای امنیت که در آن اجازه اعمال قهر علیه عراق داده شده است، انتقاد به عمل آمده است. ملک حسین در نامه خود نوشت قطعنامه مزبور "به عنوان مجوزی برای نابودی سازمان یافته عراق قلمداد می شود". ملک حسین افزود شورای امنیت نمی تواند از زیر بار مسئولیت حقوقی و اخلاقی خود شانه خالی کند."

پارلمان پاکستان به اتفاق آرا عمل آمریکا را ناجوانمردانه خواند و آن را محکوم کرد. وزارت خارجه سودان خاطر نشان کرد اکنون روشن شده است هدف اصلی جنگ، نابودی مبنای اقتصادی و آثار تمدن در عراق است. ولایتی وزیر خارجه جمهوری اسلامی در ژنو هشدار داد که جنگ خلیج فارس از کنترل خارج شده است. وی بار دیگر بر بیطرفی جمهوری اسلامی در جنگ تاکید کرد. ولایتی ضمن محکوم کردن بمباران پناهگاه بغداد توسط آمریکا، اعلام کرد ایران آماده مداوای مجروحان عراقی در بیمارستان خود است. ولایتی گفت جنگ نتیجه "سیاست های غیر مسئولانه عراق در گذشته" است. وزیر خارجه جمهوری اسلامی که طی یک کنفرانس مطبوعاتی در ژنو سخن می گفت، اظهار داشت مداوای قربانیان حمله هوائی در بیمارستانهای ایران می تواند با همکاری صلیب سرخ بین المللی صورت گیرد. ولایتی گفت مردم ایران "به شدت از این فاجعه تکان خورده اند" و افزود کشتار غیر نظامیان "به هیچ وجه قابل توجیه نیست و باید محکوم شود".

وزیر خارجه جمهوری اسلامی طی نطقی در ژنو گفت روال جنگ خلیج فارس از حدود پیش بینی شده در قطعنامه شورای امنیت خارج شده است و افزود: "کشتار گسترده، به ویژه قتل مردم غیر نظامی، قطعاً چیزی نیست که هنگام تصویب قطعنامه ۶۷۸ شورای امنیت در نظر گرفته و اعلام شده بود". وی گفت: نابودی عراق و کویت و نیز منابع اقتصادی منطقه را نمی توان در خدمت برقراری صلح و امنیت در منطقه دانست."

الثوره ارگان دولت یمن حمله هوائی به پناهگاه بغداد را "بدترین جنایت متفقین از هنگام آغاز تجاوز به عراق" خواند.

در مقابل، دولت سوریه صدام حسین را مسئول مرگ مردم عراق دانست. رادیو دمشق در تفسیری گفت: "آن کسی که می تواند با یک کلام، به خونریزی پایان دهد و این کلام را بر زبان جاری نمی کند، مسئول به زمین ریختن هر قطره خون عراقی هاست."

روزنامه های عربستان سعودی در باره حادثه بغداد مقاله ای چاپ نکردند. مطبوعات قطر و امارات متحده قریبی، موضعی مشابه موضع رادیو دمشق گرفتند.

◀ بقیه از صفحه اول

درگیری‌های درونی رژیم و مبارزات مردم

در مورد جنایات خود در کردستان و خوزستان نیز تاکید کرد که تمام اقدامات و احکام اعدام صادر شده از سوی او با اطلاع و موافقت خمینی بوده است.

خلخال سپس به شورای نگهبان پرداخت و گفت: عناصر شورای نگهبان از همان زمان با من مخالفت می‌کردند و حتی خزعلی که در زمان استانداری احمد مدنی در خوزستان یار فار او بود، یک بار با اعمال نفوذ جامعه مدرسین قم جلوی اجرای احکام اعدام صادره از جانب مرا گرفت که پس از مراجعه به آقا و باز هم جانب مرا گرفت و احکام اجرا شد، او ضمن حمله به روزنامه رسالت گفت چهار نفر از مجتهدین بزرگ یعنی خزعلی، شریعی، راستی کاشانی و آذری قمی گردانندگان رسالت هستند و آنها هیچ‌گونه سابقه مبارزاتی در قبل از انقلاب ندارند.

زمانی که خلخال به انشای شورای نگهبان و جناح رسالت پرداخته بود، یک گروه ۳۰ نفره که با موتورسیکلت وارد دانشگاه شده بودند، در صحن مسجد دانشگاه شروع به دادن شعار کردند و سعی کردند سخنرانی را به هم زنند، آنها علیرغم مقاومت دانشجویان وارد مسجد شدند و به طرف منبر یورش بردند. دانشجویان تنها توانستند با ازدحام پیرامون منبر از کتک خوردن خلخال و بیات (نماینده دیگر مجلس) جلوگیری کنند. شعارهای چماق‌داران در حمایت از خامنه‌ای و مرتد دانستن خلخال و بیات بود مثل: "مرگ بر ضد ولایت فقیه"، "ما اهل کوفه نیستیم، علی تنها بهانه"، "این دل خسته ما، قلب شکسته ما، مقام رهبر ما..." دانشجویان ابتدای سعی کردند، جلسه را آرام کنند و شعار می‌دادند: "ما همه برادریم، پیرو خطر هبریم"، ولی پس از شدت یافتن درگیری، شعارهای آنان نیز عوض شد: "مرگ بر اسلام امریکایی" و "حسادت، حسادت، عامل تفرقه..."!

این نمایش در حدود یک ساعت ادامه داشت و پس از آن همگی در حالی به ترک مسجد پرداختند که خلخال و بیات در تمام این مدت روی دوپله منبر به نظاره سمع خویش از تقسیم قنایمی نشسته بودند که به خاطرش آن همه جنایت کردند.

درگیری در شیراز

نشریه بانگ رهایی درگیری مراسم ۱۳ آبان در شیراز را چنین نقل کرده است: در جلسات ستاد تبلیغات این شهر که با حضور انجمن اسلامی دانشجویان و نهادهای دیگر دانشگاه، سازمان تبلیغات، کمیته انقلاب اسلامی، استاندار و... تشکیل شده بود، مقرر گردید که مجری برنامه دانشجویان باشند و قطعنامه راهپیمایی رانیز (پس از تصویب در ستاد) آنها بخوانند. قرار شد آیت الله جوادی آملی به عنوان سخنران به مراسم دعوت شود. در صورت عدم امکان کاندیداهای بعد موسوی خوئینی‌ها و ری شهری بودند. تصمیمات ستاد از سوی حائری شیرازی امام جمعه مورد مخالفت قرار گرفت. وی خودسرانه و بدون هماهنگی با دیگران مجری مراسم را از اعضای ستاد نماز جمعه شیراز تعیین نمود و شخصی به نام فاکر را برای سخنرانی دعوت کرد. در مورد قطعنامه نیز اعلام کرد: باید به رویت و تصویب نهایی من برسد!

دانشجویان اعلام کردند که تصمیمات ستاد باید اجرا شود و طبق تماس با مسئولین اجرایی شهر گفتند که راهپیمایی را برگزار خواهند کرد. روز ۱۳ آبان دانشجویان حوالی ساعت ۹/۳۰ دقیقه به محل برگزاری مراسم رسیدند و درخواست کردند که حداقل مصوبات ستاد اجرا شود و به دانشجویان اجازه قرائت قطعنامه داده شود. این درخواست نیز مورد موافقت قرار نگرفت. دانشجویان خشمگین بدنبال مخالفت هواداران امام جمعه، با سردادن شعار مرگ بر امریکا و مرگ بر ضد ولایت فقیه خود را به تریبون برگزرای مراسم رساندند. آقای فاکر که در پشت تریبون قرار داشت، با لحنی تند ابراز داشت:

اینان منافقین جدیدند. نوع اول مجاهدین بودند. نوع دوم بنی‌صدری‌ها و نوع سوم اینها هستند. وی سپس به رئیس شهربانی گفت که بلندگوی آنها را قطع و خودشان راساکت کند. رئیس شهربانی خودش را به پشت تریبون رساند و به نیروهای تحت امر خود دستور دخالت داد. نیروهای شهربانی به دانشجویان حمله کردند. با تشدید درگیری و افزایش تدریجی نیروهای شهربانی، تعدادی از درجه‌داران و حتی افسران ارشد شهربانی نیز وارد این فائله شدند. درگیری تا پایان سخنرانی فاکر ادامه یافت. حدود ۳۰ نفر از دانشجویان دستگیر شدند و به شدت مورد ضرب و شتم قرار گرفتند. ۱۰ نفر از آنان را به زندان عمومی شهر منتقل کردند، که پس از چند ساعت با

وساطت سایر دانشجویان و وزارت اطلاعات آزاد شدند.

برهم زدن سخنرانی یزدی در دانشگاه الزهرا

روز شنبه سوم آذر ۶۹، آیت الله یزدی رئیس قوه قضاییه برای ایراد سخنرانی به دانشگاه الزهرا دعوت شد. تعداد زیادی از طلبه‌های مکتب نجس و حوزه علمیه شهید شاه‌آبادی و عده‌ای از کارکنان و دانشجویان دانشگاه امام صادق اعلام برنامه، قرائت قرآن و دیگر مراحل برنامه را در دست داشتند. تا قبل از ورود یزدی، جلسه چند بار متشنج شد. پس از اینکه یزدی پشت تریبون قرار گرفت، نماینده دانشجویان به مقابل جمعیت آمد و خطاب به آیت الله یزدی گفت: حاج آقا دو کلمه صحبت داریم. یزدی گفت: حتی یک کلمه! مخالفت او دانشجویان را آرام‌تر نکرد و شروع به فرستادن صلوات کردند. یزدی گفت: ما حاضریم باز هم صلوات بفرستید. ما می‌شنویم. اگر فکر می‌کنید با این روش من از اینجا می‌روم مطمئن باشید من از اینجا نخواهم رفت. دانشجویان دوباره صلوات فرستادند و جلسه در میان شعارها ادامه یافت. بار دیگر یک دانشجو به نمایندگی از دیگران اجازه صحبت خواست که موافقت نشد. دانشجوی دیگری خود را به میز مجری برنامه رساند تا با اشغال بلندگو صحبت کند و هلت اعتراض دانشجویان را بیان نماید. وی با مخالفت مجریان برنامه و اقدام زشت یکی از محافظین مجبور شد به جای خود برگردد. یزدی که از وضعیت پیش آمده به شدت عصبانی بود، با اظهار این جمله که: من تا دانشگاه به رشد فکری نرسد برای سخنرانی نمی‌آیم، جلسه را ترک کرد.

زلزله زندگان شمال:

بروید به مردم بگوئید

ما چه زجری می‌کشیم

نشریه بانگ رهایی در چند گزارش، به انعکاس وضعیت غیر قابل تحمل زلزله‌زدگان شمال پرداخته و گوشه‌هایی از اعتراضات و مبارزات آنها را بازتاب داده است. مطابق گزارش‌های رسیده بدنبال موج سرما و طوفانی که در بیستم مهرماه استان گیلان را فراگرفت، چادرهای زلزله‌زدگان را با طوفان با خود برد و یا در سیلاب و گل فرورفتند. مردم شب را بدون سرپناه و غذا در میان طوفان و سرما به صبح رساندند. زلزله‌زدگان از صبح روز ۲۱ مهر از شهرهای رودبار، منجیل، لوشان و رستم آباد به طرف جاده قزوین - رشت حرکت کرده و جاده را مسدود کردند. آنها دو طرف پل لوشان را با لوله آهنی جوش داده، مسیر جاده فرعی لوشان - رشت را بسته و در تمام مسیر سنگ‌های بزرگ گذاشتند. زلزله‌زدگان ماشین‌ها را متوقف کرده و به سرنشینان آنها می‌گفتند: یک روز اینجا بمانید تا ببینید که ما چه زجری در میان برف و سرما می‌کشیم. بروید به مردم شهرهای دیگر بگوئید به مسئولان رژیم فشار آورند که تسهیلات لازم را در اختیار ما بگذارند. زلزله‌زدگان که به شدت خشمگین بودند، به چندین ماشین که قصد خارج شدن از منطقه را داشتند با چوب و سنگ حمله کردند.

رژیم برای جلوگیری از پیوستن مردم به زلزله‌زدگان از طریق رادیو اعلام کرد که جاده قزوین - رشت به علت سیل و ریزش کوه بسته شده و سپس مزدوران خود از کمیته، ژاندارمری، گشت تامين و سپاه گرفته تا نیروهای ضد شورش را در جهت سرکوب مردم به منطقه گسیل کرد. زلزله‌زدگان در مقابله با مزدوران خود را به سنگ انداز و چوب مجهر کرده و با آتش زدن لاستیک در طول مسیر توانستند ضمن مقابله محدود با سرکوبگران، چند قبضه اسلحه به فنیته گرفته و یکی از فرماندهان ژاندارمری اهزای از رشت را نیز گروگان بگیرند. گفته می‌شود نیروهای نظامی محلی باز زلزله‌زدگان همدردی نشان دادند.

به قرار اطلاع واحدهای ضربت سپاه دستور داشتند به سوی مردم تیراندازی کنند، اما با دخالت بعضی فرماندهان سایر نیروها از این کار مانعت به عمل آمد و از درگیری گسترده ماموران سرکوب با مردم جلوگیری شد. در پی این درگیری، مسئولان حکومتی و از جمله حبیبی معاون اول رفسنجانی در

محل حضور یافتند و قول رسیدگی عاجل به خواسته‌های زلزله‌زدگان را دادند. زلزله‌زدگان مهلت ۵ روزه‌ای برای مسئولین رژیم تعیین کرده و جاده را باز کردند.

صحبت‌های یکی از زلزله‌زدگان: اتا تک‌های فلزی ساخته شده برای اسکان ما یا هنوز آماده نیست و یا برای ادارات دولتی در نظر گرفته شده، آنقدر کیفیت این اتا تک‌ها پایین است که در منجیل باد سفت آنها را از جا کنده و برده است. هنوز مدرسه‌ای نیست که بچه‌های ما بروند. غذای خود را باید به بچه‌ها بدهیم تا

انتشار نامه تمجید امیر خمینی از سید احمد

موسسه تنظیم و نشر آثار خمینی، کتاب تازه‌ای شامل "قرایات و رباعیات" و یک نامه منتشر نشده از خمینی را انتشار داده است. این نامه که تاریخ ۲۸ آذر ۱۳۶۶ را دارد خطاب به سید احمد خمینی است و پس از مقداری موعظه و نصیحت، به دفاع شدید پدر از پدر پرداخته است. خمینی در این نامه نوشته است: من خدای قاهر حاضر منتقم را شاهد می‌گیرم که احمد از آن روزی که در کمک اینجانب در بیرونی مشغول اداره امور من بوده تا الان که این ورقه را می‌نویسم قدمی یا قلمی برخلاف گفتار و نوشتار من برنداشته است. وی سپس ادامه داده: و در آخر این را هم بگویم که احمد تاکنون برای مصارف خود دیناری از

راهپیمایی ۲۲ بهمن در تهران

مراسم "دهه فجر" با برگزاری راهپیمایی ۲۲ بهمن در شهرهای مختلف کشور پایان یافت. در راهپیمایی تهران هاشمی رفسنجانی و سید احمد خمینی سخنرانی کردند. رفسنجانی تاکید کرد که: جمهوری اسلامی با صدایی رسا حضور بیگانگان در منطقه و عراق در کویت را محکوم می‌کند. وی ۲۲ بهمن را نقطه ختم حضور بیگانگان در ایران خواند. در پایان راهپیمایی تهران قطعنامه ۸ ماده‌ای به تصویب شرکت‌کنندگان رسانده شد. در این قطعنامه حمایت از خامنه‌ای، گسترش انقلاب اسلامی در جهان، خروج بیگانگان از منطقه خلیج فارس و عراق از کویت،

بارش باران سیاه در جنوب و غرب کشور

باریده است. این باران که ناشی از دود انفجارهای تاسیسات نفتی عراق، کویت و عربستان می‌باشد، موجب آلودگی محیط‌زیست و از جمله منابع آبی در بخش‌های وسیعی از جنوب و قرب کشور گردیده است.

اعدام ۳۳ نفر بزجرم قاچاق مواد مخدر

شمر به حکم دادگاه انقلاب اسلامی اعدام شده‌اند. جرم همه این افراد خرید و فروش و توزیع مواد مخدر اعلام شده است. ۳ تن از اعدام‌شدگان شهرستان کرج، تبعه افغانستان بوده‌اند. اکنون نزدیک به یکسال است که اعدام گسترده متهمین به شرکت در خرید و فروش و پخش مواد مخدر ادامه دارد. شدت این اعدام‌ها تاکنون در ایران بی‌سابقه بوده است.

سیر شوند. بعضی وقتها شبها را گرسنه به صبح می‌رسانیم. آخر کی می‌خواهید به وضع ما رسیدگی کنید؟ تا کی وعده و وعید؟ ما اینجا خانه نداریم. نه آب داریم نه غذا، نه دستشویی، نه حمام، هیچ چیز

نداریم، نه کار داریم و نه سرمایه، فرزندانمان از گرسنگی و سرما بیمار شده‌اند، همه چیزمان از بین رفت. تا کی می‌توانیم صبر کنیم؟ کمک‌های مردم کجا رفت؟ این همه کمک‌های خارجی چه شد؟ تا کی می‌خواهید به مادر و غ بگوئید؟

از رویدادهای ایران

بازداشت خبرنگار

روزنامه‌کیهان

دادگاه کیفری ۲ زنجان، سرپرست و خبرنگار روزنامه کیهان در این شهرستان را به جرم درج انتقادی از سازمان انتقال خون زنجان به ۹۱ روز زندان محکوم کرد. جرم خبرنگار کیهان "نشر اکاذیب و اهانت به شخصیت حقوقی" اعلام شده است. روزنامه کیهان در یادداشت اعتراضی خود به این حکم نوشته است که این دادگاه رای خود را به استاد ماده ۲۴ قانون مطبوعات مصوب سال ۵۸ صادر کرده، در صورتی که این قانون منسوخ شده و قانون جدیدی در سال ۶۴ به جای آن به تصویب رسیده است.

کیهان در این یادداشت خاطرنشان کرده است که او لا مسئولیت درج کلیه مطالب به‌عهده مدیر مسئول روزنامه است و محتر از آن: کیهان بر آن است که این ماجرا نشان دهنده نقض آشکار اصل ۲۴ قانون اساسی، والاترین دستاورد انقلاب خونبار اسلامی است که آزادی مطبوعات را در چارچوب قوانین خاص تنظیم کرده است.

موفقیت کشتی‌گیران

ایران در شوروی

تیم منتخب کشتی آزاد ایران با کسب سه مدال طلا، نقره و برنز در مسابقات بین‌المللی جام تفلیس در شوروی به مقام سوم این مسابقات رسید. ناصر زینل‌نیا در وزن ۴۸ کیلوگرم به مدال طلا دست یافت. علی توپچی در ۱۰۵ کیلوگرم مدال نقره گرفت و محمد ذوالفقاری در وزن ۵۷ کیلوگرم یک مدال برنز بدست آورد. در این مسابقات تیم‌های کشتی شوروی و امریکا به مقام‌های اول و دوم دست یافتند. مسابقات بین‌المللی جام تفلیس یکی از معتبرترین مسابقات بین‌المللی کشتی است که هر ساله در پایتخت گرجستان شوروی برگزار می‌شود. کشتی‌گیران ایران پس از انقلاب ۴ بار در این مسابقات شرکت کرده‌اند و امسال موفق به کسب بهترین نتیجه شدند.

نرخ ارز در بازار تهران

هفته گذشته بهای ارز خارجی در بازار آزاد تهران به میزان اندکی کاهش یافت. روز ۵ شنبه ۲۵ بهمن هر دلار امریکا به بهای ۱۳۶ تومان معامله شد. لیره استرلینگ ۲۹۰ تومان، مارک آلمان ۹۹ تومان و ۵ ریال و فرانک فرانسه ۲۹ تومان و ۳ ریال به فروش رسید. بانک مرکزی دلار شناور را طی همین روز (۵ شنبه) به بهای ۱۳۶ تومان و ۸ ریال در اختیار متقاضیان واجد شرایط قرار داد.

گزارش تحولات سیاسی کشور و منطقه و عملکرد سیاسی شورا در فاصله کنگره نخست تا امروز

خوانندگان گرامی! شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق (اکثریت) گزارشی از اوضاع سیاسی کشور و عملکرد سیاسی خویش را به اجلاس مشترک مسئولین واحدهای کشوری سازمان در خارج از کشور، گروههای کار و شورای مرکزی که در روزهای اول تا سوم فوریه برگزار گردید، ارائه داد. و شرکت کنندگان در اجلاس پیرامون آن اظهار نظر کردند. شورا پس از تصحیح گزارش بر اساس اصلاحات پیشنهادی در اجلاس مذکور، مبادرت به نشر آن می نماید. با این امید که اظهار نظر هلاقمندان، به تدقیق مواضع سیاسی سازمان یاری رسانند. لازم به یادآوری است تحولات اخیر جنگ بدنبال اعلام آمادگی رژیم عراق برای پذیرش قطعنامه ۵۶۶ شورای امنیت در این گزارش منعکس نشده است.

شورای مرکزی سازمان در همان نخستین جلسات بعد از کنگره ۴ حفظ و گسترش سطح فعالیت سیاسی سازمان را به مثابه یکی از راستاهای اساسی فعالیت خویش مورد تصویب قرار داد و راه اندازی و ارتقاء کیفیت گروه های کار نشریات اکثریت و کار رادیو و روابط عمومی را بعنوان اهرم های اصلی تحقق این وظیفه پی گرفت. علاوه بر این به منظور آنکه "شورای مرکزی" نیز بتواند در صحنه سیاست حضور مستقیم و موثر داشته باشد، مباحثات زیادی در شورا انجام گرفت. به مجموعه این مسائل در بخش تشکیلاتی و گزارش عملکرد شورا به تفصیل پرداخته شده است. شورا امیدوار است که اجلاس حاضر بتواند با اظهار نظرهای خود موانع موجود بر سر راه گسترش فعالیت سیاسی سازمان را برطرف سازد.

شورا فعالیت سیاسی خود را در شرایطی آغاز کرد که از سوئی هنوز اهرم های لازم جهت حضور موثر سیاسی سازمان در حد مطلوب وجود نداشتند و از سوی دیگر اوضاع سیاسی کشور و منطقه که به دنبال گشوده شدن بن بست در مذاکرات صلح با عراق وارد مرحله تازه و حساسی شده بود، با اشغال کویت به وسیله عراق و ورود ارتش آمریکا و متحدانش به خلیج فارس، بطور بی سابقه ای پیچیده و بفرنج شد و بیش از هر زمان ضرورت داشت که مسائل باحساسیت و عمق کافی پیگیری شود. ارزیابی واقع بینانه از اقدامات و موضع گیری های سیاسی شورا و گروه های کار، تنها با در نظر داشت این واقعیت ها امکان پذیر خواهد بود.

هنگامی که خبر اشغال کویت از سوی ارتش عراق انتشار یافت، کنگره سازمان جریان داشت و مواضع سازمان از سوی هیات رئیسه کنگره در اعلامیه ای تحت عنوان "الحاق کویت به عراق را محکوم می کنیم" انتشار یافت. در این اعلامیه الحاق کویت به عراق قویا محکوم گردید و حضور نظامی آمریکا "ادامه سیاست ژاندارمی دولت آمریکا" و "موجب تشدید بحران در منطقه" ارزیابی شد. اعلامیه ضمن پشتیبانی قاطع از تحریم اقتصادی و تسلیحاتی عراق که قطعنامه ۶۶۲ شورای امنیت سازمان ملل متحد، اعمال آنرا در جامعه جهانی خواستار شده بود، تاکید نمود که "سازمان ملل متحد یگانه مرجعی است که میتواند برای مقابله با تجاوز خیره سرانه و جنایتکارانه رژیم صدام هماهنگی و هدایت اقدامات بین المللی را برعهده گیرد". در این اعلامیه از محکوم کردن صریح لشکرکشی آمریکا و متحدانش به خلیج فارس خود داری شده بود. پس از پایان کنگره و تشکیل شورای مرکزی سازمان ضرورت داشت که موضع شورا پیرامون تحولات خلیج فارس به فوریت روشن و منتشر شود. نظر به اهمیت مسئله، شورا علاوه بر بحث در جلسات خود، مسئله را در جلسات مشورتی با سایر رفقا نیز به بحث گذاشت. در این مباحثات، پیرامون دفاع کلی از حل مسالمت آمیز بحران، محکوم کردن الحاق کویت به عراق و تاکید بر نقش مراجع بین المللی ابهامی وجود نداشت و پیچیدگی مسئله در چگونگی برخورد با لشکرکشی آمریکا و متحدانش متجلی میشد. به دنبال این مباحثات مواضع شورای مرکزی سازمان به صورت سه مقاله کار ۷۸- نخستین شماره بعد از کنگره - بدینگونه انتشار یافت:

"ما دخالت نظامی آمریکا در منطقه را محکوم میکنیم و خواهان خروج فوری نیروهای نظامی آمریکا و تمام کشورهای خارجی در منطقه هستیم. ما با قاطعیت خواهان خروج فوری عراق از کویت و برچیده شدن دولت دست نشانده آن در این کشور هستیم و از تحریم اقتصادی و نظامی این کشور توسط همه دولتهای جهان و استفاده از تمام اهرمهای سیاسی - اقتصادی و دیپلماتیک که عراق را برای پایان دادن به این تجاوز تحت فشار قرار دهد، حمایت می کنیم."

رفقای گرامی!

بدون تردید موضع گیری پیرامون مسائل خلیج فارس مهمترین موضع گیری سیاسی شورا در فعالیت شش ماهه گذشته بوده است. این موضع گیری که بعد ها در بیانیه شورا تحت عنوان "پیرامون تحولات منطقه و اوضاع کشور" - مندرج در کار و اکثریت بسط داده شد همچنان مبنای عمل شورا است. در بیانیه شورا - که در کار آذرماه ۶۹ منتشر شد کوشش شده است تا رابطه بحران خلیج و مبارزه ای که بر سر نظم نوین در سطح جهان جریان دارد، بیان گردد، اهداف لشکرکشی آمریکا توضیح داده شود و تلاش دولت آمریکا برای آنکه با سوءاستفاده از بحران خلیج، اقامتی خود را بر جهان تحمیل کند افشا گردد. در این بیانیه همچنین از طرحهای مبتنی بر حل همگانی و صلح آمیز مسائل خاورمیانه استقبال شده است. در این زمینه موضع گیری اولیه، پیش از آن در شماره ۸۰ نشریه کار، با اندکی تأخیر، صورت گرفته بود. این تأخیر از آنجا ناشی می شد که پیش از آن، حکومت عراق به منظور سوءاستفاده از احساسات ضد اسرائیلی مردم منطقه، کوشش کرده بود که مسئله اشغال کویت و بحران خلیج فارس را با مسئله تجاوزگری اسرائیل مرتبط سازد و در نتیجه این برداشت در میان مآپدیدآمده بود که به میان کشیدن سایر مسائل منطقه ممکن است در جهت طولانی تر کردن بحران خلیج اثر بگذارد.

نکته با اهمیت دیگر در رابطه با بحران خلیج، نقش شورای امنیت سازمان ملل متحد و موضع ما در قبال آن بوده است. برخورد مثبت و فعال شورای امنیت که به تصویب قطعنامه ۶۶۲ انجامید از یکسو و عقب نشینی آن در قبال فشار آمریکا و صدور اجازه حمله نظامی از سوی دیگر نشان دادند که حمایت ما از اقدامات شورای امنیت نمی تواند بی قید و شرط باشد و لازم است سازمان ضمن تداوم سیاست عمومی مبتنی بر تقویت نقش سازمان ملل متحد، این حقیقت در دناک را همواره مد نظر داشته باشد که هنوز محافل جنگ طلب و ماجراجو می تواند بر تصمیمات این مرجع معتبر بین المللی اثر بگذراند. ما قطع نامه ۶۷۸ شورای امنیت را که شامل ولتیماتوم به عراق بود، مننی ارزیابی کردیم. در نشریه کار قطع نامه در مجموع و بدون صراحت منفی ارزیابی شد و در همین حال، نقش آن به عنوان امکانی برای تداوم مذاکره مورد تاکید قرار گرفت. این موضع گیری از دقت کافی برخوردار نبود. اما در سه مقاله اکثریت شماره ۲۳۹ با عنوان "دولت آمریکا موفق شد شورای امنیت را به موضع موافقت با حل نظامی بحران خلیج فارس بکشانند" موضع گیری دقیق تری صورت گرفت. در این مقاله آمده است:

"قطع نامه مذکور از طرف شورای امنیت، امکانات برای حل مسالمت آمیز بحران را کاهش داده و مواضع مدافعین اقدام نظامی را تقویت کرده است."

در این مقاله بدرستی رای مثبت دولت شوروی به قطع نامه "در تباین با سیمای صلح طلبانه سیاست خارجی این کشور در چند ساله اخیر" و "نشانه تسلیم شدن مسکو به فشارهای اعمال شده از طرف دولت آمریکا" ارزیابی شده است. رفقای عزیز!

بحران خلیج فارس میدان بزرگی بوده و هست برای آنکه باورهای نوین ما به محک تجربه آزموده شود و کمبودهای ما در هر صه تذکر سیاسی معاصر، آشکار گردد. ما در مباحثات پیرامون مسائل خلیج یکبار دیگر متوجه این حقیقت شدیم که بدون داشتن درک ثنوریک روشن پیرامون یک سلسله از مسائل اساسی نظیر رابطه حفظ منافع ملی، ملزومات حفظ صلح، مبارزه برای دموکراسی، امپریالیسم و پیکار علیه آن و... نیز بدون داشتن تحلیل جامعی از اوضاع پیچیده جهان و سبب گسترش روندهای جهانی، اتخاذ موضع صحیح پیرامون بسیاری از مسائل منطقه ای و کشوری عملا ناممکن است. از اینرو بعنوان یک نتیجه گیری عملی می گذاریم که ضرورت کار علمی، تحقیقاتی و ثنوریک بیشتر و فشرده تر در زمینه مقولات برنامه ای را مورد تاکید قرار دهیم تا کنگره دوم بتواند به مسائل سازمان در این هر صه پاسخ در خور بدهد.

در ارتباط با بحران خلیج سوال با اهمیتیهی که از آغاز وجود داشت و هنوز هم وجود دارد این است که این بحران چرا پدید آمد؟ فرجام آن چه خواهد بود؟ در شورا پیرامون فرضیه های مختلف مباحثاتی انجام گرفت. اما فقدان اطلاعات مستند و موثق موجب می شود که نتوان هیچ فرضیه ای را به مثابه مبنای تحلیل عمومی و مشترک پذیرفت.

گرچه هاله ای از ابهام انگیزه های طرفین را در بر گرفته و هیچ فرضیه ای در شورا به عنوان مبنا پذیرفته نشد، اما تمایل عمومی شورا آن بود که به احتمال بیشتر مسئله در نهایت از طرق مسالمت آمیز

و بدون توسل به جنگ حل خواهد شد. در هیچ حال این تاکید نیز وجود داشت که این پیش بینی نباید در موضع گیری های ما منعکس شود و نباید به بحث "پیش گوئی آینده" که از سوی رسانه ها و روزنامه نگاران صورت می گیرد، کشانده شویم. ما باید تاکید کنیم که حل صلح آمیز بحران امکان پذیر است، از جمله اگر نیروی مدافع آن برای تحقش مبارزه کند.

وجود و حد معینی از خوش بینی در شورا، علیرقم تذکرات برخی از رفقا که احتمال وقوع جنگ راجدی می دانستند موجب شد که بر مجموعه تبلیغات نشریات کار و اکثریت، نوعی خوش بینی نسبت به تلاش های صلح طلبانه و حاصل آن سایه افکند و به اندازه کافی پیرامون خطر آغاز جنگ هشدار داده نشود. اما برخلاف همه امیدواری ها، جنگ در اولین ساعات پس از پایان زمان اولتیماتوم، با بمباران وحشیانه و گسترده شهرهای عراق بوسیله نیروی هوائی آمریکا آغاز شد.

شورای مرکزی بعد از آغاز جنگ با صدور اعلامیه ای، دولت آمریکا را مسبب اصلی آغاز جنگ دانست و آنرا شدیداً محکوم نمود. در این اعلامیه شورا خواستار قطع بی قید و شرط جنگ شد. همچنین فراخوانی خطاب به فدائیان خلق انتشار یافت و از همه درخواست شد که با شعارهای "قطع بی قید و شرط جنگ" و "حل بحران خلیج فارس از راه مسالمت آمیز" در تظاهرات و نمایشات صلح آمیز شرکت کنند.

اکنون جنگی ویرانگر و ضد بشری در منطقه خلیج فارس و در همسایگی کشور ما جریان دارد. سانسور خشنی که دولتهای غربی بر رسانه ها اعمال می کنند، مانع از انتشار حقایق این جنگ وحشیانه است، اما اخبار پراکنده حاکی است که هزاران تن از مردم مظلوم و بی دفاع تا کنون در اثر بمبارانها کشته شده اند و خرابی های هظیمی به بار آمده است و این در حالی است که هنوز جنگ زمینی آغاز نشده و یابکی های جنایتکار برای دستیابی به اهداف شوم خود به شخم زدن شهرها مشغولند.

صدام حسین که با تداوم خیره سرانه اشغال کویت، زمینه برافروخته شدن آتش جنگ را فراهم آورد، همچنان به رجز خوانی های جنون آمیز ادامه می دهد و در ادامه تبلیغات هوافضیانه ای که به قصد جلب افکار عمومی جهان عرب به راه انداخت، به پرتاب موشک به شهرها و مناطق غیر نظامی اسرائیل روی آورده است او می کوشد پای اسرائیل را هم به جنگ بکشانند تا از این طریق اهراب و مسلمانان بیشتری را به همراهی با خود ترغیب کند.

هوافضیهای صدام حسین و قلدرمشی کاخ سفید، موجب گسترده ای از همدردی و همراهی با حکومت عراق را در جهان عرب برانگیخت و توده های عرب، خشمی را که ناشی از سالها تحمل تجاوزگری اسرائیل و پشتیبانی آمریکا از آن است، اکنون بصورت حمایت از صدام بروز می دهند.

به میان کشیده شدن پای اسرائیل و تشدید واکنش توده های عرب که هم اکنون نیز شدیداً گسترده است این امکان را تقویت می کند که جنگ از محدوده منطقه خلیج فارس خارج شود و به جنگ جهان عرب و "دنیای اسلام" با آمریکا و متحدانش و "دنیای کفر" تبدیل شود. چنین حالتی به شدت به زیان اهداف آمریکا ست و دولت بوش می کوشد از طریق گوناگون از واکنش اسرائیل در مقابل موشک پرنایه ای صدام جلوگیری کند و تا امروز حکومت اسرائیل در موضع پرهیز از هکس العمل نظامی قرار داشته است.

شورای مرکزی موشک پراکنی به شهرهای اسرائیل را که حاصلی جز کشته شدن غیر نظامیان بی گناه، و تقویت محافل جنگ طلب در اسرائیل، بحرانی تر شدن اوضاع منطقه و در تنگنا قرار گرفتن جنبش صلح در اروپا و جهان ندارد، محکوم می کند. در همین حال باید این حقیقت تلخ را یادآوری کرد که رسانه های قرب در حالی که کشته شدن سه اسرائیلی را تا آخرین حد بزرگ و برحسته می کنند، کشتار بی رحمانه هزاران عراقی در جریان دولتهای اروپایی که پیش از آغاز جنگ در مقابل تمایل کاخ سفید، مقاومت کم جان و کم اثری از خود نشان می دادند، با آغاز جنگ بطور کامل در مواضع آمریکا قرار گرفتند و با ارسال نیروهای نظامی و پذیرش تعهدات مالی وارد جنگ شدند.

برخلاف دولتهای، نیروهای صلح طلب و احزاب مترقی اروپا، با آغاز جنگ، مبارزه علیه آنرا شدیدتر و گسترده تر کردند و اروپا اکنون شاهد نمایشات میلیون ها انسان علیه جنگ است.

مبارزهای که طی چند ماه گذشته میان نیروهای صلح طلب و محافل جنگ پرست بصورت تقابل دو مشی جریان داشته و فرجام تلخ آن، جنگ طلبی جنون آمیز کاخ سفید که در جهت ارضای تمایلات ضد بشری انحصارات و بویژه انحصارات نظامی و نفتی به

منظور تامین آتائی آمریکا بر جهان و اهداف دیگری نظیر رهائی از بحران دم افزون اقتصادی، منطقه خلیج فارس را به میدان جنگی خونین مبدل کرد، توج برخورد دول اروپایی، اهراب و دولتهای غربی، ژاپن و بویژه موضع دولت شوروی، تسلیم شورای امنیت سازمان ملل به جنگ طلبی حکومت آمریکا، موضع کشورهای نظیر یمن، کوبا و چین در رابطه با قطع نامه ۶۷۸، پیوستن دولت سو سیالیست میتران به مشی جنگ، جنبش نیرومند صلح در اروپا، موضع گیری احزاب مختلف در اروپا و آمریکا، نوع برخورد توده های عرب با شعارهای هوافضیانه صدام حسین و مجموعه بسیار متنوع هواملی که در بحران خلیج، کشیدن شدن آن به جنگ و تداوم تا امروز آن نقش ایفا کردند نه تنها خلصت جهانی بحران را آشکار می سازند بلکه، به ما امکان می دهند که بتوانیم منظره بالنسبه روشن تری از آرایش نیروهای جهانی پس از فروپاشی نظم دو قطبی پیشین ترسیم کنیم.

در شورا بحث های مقدماتی پیرامون تضادهای جهان امروز و بررسی آن در پرتو مطالعه روندهای که در پیوند با بحران خلیج در سراسر جهان جریان دارد، آغاز گشته است. بعد از فروریختن نظم دو قطبی پیشین، صحنه خلیج فارس نخستین آوردگاه مهمی است که مهمترین نیروهای موثر در جهان امروز در آن صف آرائی کرده اند. بدون تردید مطالعه بحران و جنگ خلیج به ما امکان خواهد داد تا از مناسبات سه کانون اصلی جهان سرمایه داری، رابطه شمال و جنوب، رابطه متقابل انحصارات نظامی و نفتی، کانونهای فراملیتی مالی - اقتصادی و قطب های اصلی تکنولوژی و رابطه این سه با سه کانون اصلی آمریکا، اروپا و ژاپن و تضادهای روندهای مهم در دمه آتی شناخت روشن تری بدست آوریم.

شورا می کوشد در حد توان خویش با پیگیری روندها، نتایج حاصل را در تدقیق دیدگاه ها، ارزیابی ها و مواضع سازمان بکار گیرد و بجاست هم در اینجا به همه دست اندرکاران امور سیاسی، صاحب نظران و قلم زنان سازمان و جنبش ترقی خواهانه کشور اعلام کنیم که نشریات سازمان برای چاپ و انتشار نتایج تحقیقات و جمع بندی های آنها آماده اند و از همکاری آنها برای آنکه جنبش به درک روشن تری از اوضاع دست یابد صمیمانه استقبال می کنیم.

جنگ در میان نیروهای سیاسی کشورمان با واکنشهای متفاوتی روبرو شد. عموم نیروهای اپوزیسیون ضمن بر حذر داشتن رژیم از مداخله در جنگ به سود یکی از طرفین و تاکید بر ضرورت حضور فعال ایران در مبارزه علیه جنگ و تشویق آن به مشارکت در تلاش برای یافتن راه حل های صلح آمیز، اشغال کویت بوسیله صدام و جنگ طلبی حکومت بوش را محکوم کردند. در همین حال محافظی از سلطنت طلبان افراطی وابستگی خویش به دولت آمریکا را در لویای شعارهای شوونیستی هر صه کردند. آنها آشکارا به دفاع از جنگ پرداختند. برخی محافل سلطنت طلب و قوع جنگ بین آمریکا و عراق را به سود ایران ارزیابی کرده اند. در این موضع ضد بشری که در پوشش قم خواری برای ایران عرضه می شود، نه تنها بوی آ انسانیت وجود ندارد، بلکه دروغ بی شرمانه ای نیز نهفته است. مردم ایران که طعم تلخ هشت سال جنگ را چشیده اند، آزادمشی و صلح طلبی خود را هرگز فدای منافعی که اینگونه محافل مدعی آتند نمی کنند و برای مقابله با یک دیکتاتور توسعه طلب برای توسعه طلبی و جنگ طلبی آمریکا صحه نخواهند گذاشت و نیک می دانند که با قدر قدرتی آمریکا در منطقه و یا به آتش کشیده شدن خلیج فارس جز زیان هنگفت هیچ چیز هاید ایران نخواهد شد و ادعای سود بردن ایران در جنگ دروغ بی شرمانه ای است که از سوی وابستگان به آمریکا و به منظور جلب حمایت مردم ایران از جنگ وحشیانه غرب علیه عراق انتشار می یابد. در مقابل، محافظی از تندروهای حزب الهی می کوشند تا حکومت را به موضع گیری به سود صدام و شرکت در جنگ علیه آمریکا سوق دهند.

دولت ایران تا کنون در موضع اصولی بی طرفی قرار داشته است و گر چه در دوره ای از عراق با تأیید حضور نظامی آمریکا و مشروطه کردن و خروج آمریکائیان به تخلیه کویت از سوی ارتش صدام گام خطرناکی علیه منافع ملی مردم ایران برداشت، اما به رقم نهاییاتی که در گرو هبندی رفسنجانی برای بهره برداری از اوضاع در جهت بعبود مناسبات با آمریکا دیده می شود، حکومت در این هر صه بسیار محتاطانه عمل می کند. شورای مرکزی، موضع بی طرفی دولت جمهوری اسلامی ایران و تلاش دولت برای امداد رسانی به مردم بی پناه و بی گناه عراق را قویا تاکید کرده ضمن هشدار نسبت به ماجراجویی های محافظ تند رو خواستار افزایش کمک های داروئی و غذائی به مردم عراق است.

بقیه در صحنه ۶

گزارش اجلاس مشترك

شورای مرکزی سازمان گروه های کار و مسئولین منتخب کشورها

مناسبات سازمان، سازمان های ملیت های غیر فارسی فرامی آورد، درباره تدارک اسناد:

اجلاس گروه کار تدارک اسناد کنگره و شورا را موظف می کند که وظایف گروه را در نخستین اجلاس های خود تدقیق کنند تا گروه بتواند بر آن اساس کار خود را پیش برد.

توضیح در این باره این که بحث اصلی درباره کار این گروه حول این سوال متمرکز بود که آیا تدوین اسناد واحد برنامه ای و اساسنامه ای توسط گروه میسر است و گروه باید در این جهت بکوشد و یا نیروی خود را مصروف بر گذاری سمینارها و پیشبرد بحث ها پیرامون برنامه های مختلف کند؟ در این باره نظرات و پیشنهادهای متعددی ارائه شده که سرانجام پیشنهاد فوق که متضمن رسیدگی به سایر پیشنهادهای نیز تشخیص داده شد، از تصویب گذشت.

۲- تصمیم درباره پیشنهاد های شورا
شورا برای رفع دشواری های موجود سه پیشنهاد به اجلاس ارائه کرده بود. اجلاس به شرح زیر به این پیشنهادهای رسیدگی و قرارهایی در هر مورد صادر کرد:

الف- انتشار یک نشریه به جای دو نشریه:

پیشنهاد شورا انتشار یک نشریه هفتگی به جای نشریات کار و اکثریت بود. اهم دلایل شورا برای این پیشنهاد این بود که محدودیت های حاد فنی و مالی انتشار دو نشریه با کیفیت مطلوب را غیر ممکن کرده است. شورا بر این نکته تاکید داشت که انتشار یک نشریه هفتگی به جای دو نشریه فعلی متضمن صرفه جویی مالی چندانی نیست، اما نظر به لزوم حفظ سطح فعالیت سیاسی سازمان، در این پیشنهاد خود ملاحظاتی مالی را در نظر گرفته است. لازم به ذکر است که پیشنهاد دو برابر کردن دوره انتشار دو نشریه، با ملاحظه وضع مالی، نیز در شورا مطرح شده بود.

از آنجا که کنگره نخست سازمان تصریح به انتشار دو نشریه رای داده است، تصمیم گیری در این باره از حساسیت خاصی برخوردار بود. سخنرانان مختلف و از جمله نمایندگان کادر فنی درباره جهت مختلف امر اظهار نظر کردند. سپس چندین قرار پیشنهاد شد که قرار زیر با ۲۷ در صد آراء تصویب رسید:

نظر به ضرورت وجود نشریه ای با کیفیت مناسب جهت تأمین حضور موثر سازمان در هر صحنه های سیاسی و نظری، و محدودیت امکانات فنی، مالی و تجربی برای انتشار دو نشریه با کیفیت مناسب در شرایط خاص، به جای دو نشریه کار و اکثریت یک نشریه واحد منتشر می شود. پریود این نشریه را شورا و گروه های کار دو نشریه و پرسنل فنی تعیین خواهند کرد. نام نشریه واحد کار خواهد بود.

ب- اقدام دو گروه کار تشکیلات خارج و تدارک اجرایی کنگره
در این باره پیشنهاد شورا این بود که وظایف دو گروه در هم ادغام شوند و گروه تشکیلات خارج توسط اعضای متمرکز گروه تدارک اجرایی کنگره تقویت شود.

اجلاس با نظر داشتن به حفظ عضویت اعضای گروه ها در گروه شان قرار زیر را با اکثریت قریب به اتفاق آراء تصویب گذراند:

۱- دو گروه کار تشکیلات خارج کشور و تدارک اجرایی کنگره در هم ادغام می شوند.

۲- اجرای این قرار منوط به تمایل دو گروه کار مذکور است.

۳- بحران مالی در سازمان و چاره جویی برای آن:

در گزارش شورا، از مشکل مالی به عنوان "مشکلی که امروز پیشبرد فعالیت های سازمان را به خود مشروط کرده است. این شکل در اجلاس مشترک مورد بررسی نسبتاً تفصیلی قرار گرفت. گزارش مالی پس از کنگره به اجلاس ارائه شده بود. بسیاری از سخنرانان بر این تاکید داشتند که بحران مالی یک امر سیاسی است، با وضع عمومی نیروهای سیاسی و جنبش ارتباط دارد و منحصر به چارچوب سازمان نیست. در همین حال بسیاری از پیشنهادها که متوجه گشایش های مالی در کوتاه و بلند مدت بودند ارائه شدند. این پیشنهادها در اختیار گروه مالی قرار گرفت و گروه ملزم به بررسی آن ها شد. در همین حال، بحران مالی زیر تأثیر وضعیت گذشته سازمان و نیز بعضی ناسامانیها در سازماندهی گروه مالی تشخیص داده شد. از این رو اجلاس با نهایت به تأثیر این عوامل و نیز با پذیرش این واقعیت که تدابیر بلندمدت چاره شکل فوری امروز نیست و برای تخفیف بحران مقدمه باید بر نیروی تشکیلات متکی بود، قرارهای رادر بندهای مختلف به قرار زیر تصویب گذراند:

۱- اجلاس از شورای مرکزی می خواهد که برای پیشرفت امور مالی سازمان، تصمیمات مقتضی در سازماندهی امور مالی را اتخاذ کند و به اجرا بگذارد.

۲- گروه کار مالی ملزم است حداکثر تا یک ماه و نیم دیگر گزارش ارائه شده به اجلاس را تنظیم نهایی نموده در اختیار تشکیلات قرار دهد.

۳- اجلاس، با نهایت به تخفیف بحران مالی ناشی از نظم گرفتن شبی بازگشت نهایی نشریات، در پی فراخوان های قبلی، مجدداً همه اعضا را برای قبله بر بحران مالی فرامی خواند و در این راستا توزیع وسیع قبض های کمک مالی، پرداخت حق عضویت های معوقه، پرداخت نظم حق عضویت های جاری و ابتکارات مالی چون برگزاری جشن ها و غیره را به واحدهای حزبی و اعضای سازمان قویاً توصیه می کند.

۴- اجلاس از همه واحدهای سازمان می خواهد حداکثر تا دو ماه دیگر گزارش مالی واحد مربوطه را که شامل برنامه مالی، پیش بینی هزینه ها و درآمدها تا کنگره آتی سازمان باشد را به گروه مالی داده تا این گروه بتواند برای سازمان مرکزی برنامه مالی قابل قبول و پیش بینی شده تهیه کند.

۵- اجلاس از گروه کار مالی می خواهد که امر حسابرسی حساب های گذشته را تسریع نموده و نتیجه نهایی بررسی حساب ها را حداکثر تا یک ماه قبل از کنگره به تشکیلات ارائه دهد.

اجلاس همچنین تذکراتی را در مورد شیوه کار گروه مالی طرح کرد که گروه در کار آتی خود و در اقدامات بلند مدت آنها را رعایت خواهد کرد. کار اجلاس عمومی در نیمروز یکشنبه ۱۴ بهمن ۶۹ به پایان رسید.

در روزهای جمعه ۱۲ بهمن تا یکشنبه ۱۴ بهمن (۳-۱ فوریه) اجلاس مشترک اعضای شورای مرکزی سازمان، مسئولین کشورها و اعضای گروه های کار برگزار شد.

در اجلاس مسئولین از ۱۱ کشور، اکثریت اعضای گروه های کار، نمایندگان کادر فنی نشریات و اعضای شورای مرکزی حضور داشتند و دستور کار آن به قرار زیر پیشنهاد شده بود.

۱- استماع گزارش عر ماهه شورا و گروه های کار، و اظهار نظر پیرامون آن ها

۲- تصمیم گیری درباره پیشنهاد های شورا

۳- چاره جویی برای بحران مالی

۴- گزارش مسئولین کشورها

۵- بررسی کنفرانس های پیش کنگره

اجلاس با یک دقیقه سکوت به یاد شهدای سازمان، جنبش فدایی و مبارزه آزادیخواهانه مردم کشورمان به کار آغاز کرد.

اجلاس کار خود را با اظهار نظر درباره جایگاه حقوقی خود آغاز کرد. به این سوالات که آیا اجلاس حق تصمیم گیری در مواردی را که ممکن است نقض تصمیم کنگره باشد دارا یا خیر، و این که مسئولیت این تصمیم و اجرای آن ها با کیست، اجلاس یا شورا؟ باید پاسخ گفته می شد. عده ای از حاضران اجلاس را فاقد حق تصمیم گیری میدانستند و عده ای نیز بر این که مسئولیت تصمیم و اجرای آن ها با شورای مرکزی خواهد بود تاکید می کردند.

سرانجام قرار زیر به رای گذاشته شد و با اکثریت ۵۵ در صد آراء به تصویب رسید:

۱- اجلاس مشورتی است و از لحاظ حقوقی تعریف شده نیست.

۲- شورا برای نظر سنجی و اتکا تصمیمات بر پایه ای استوارتر رفتار دعویت کرده است.

۳- شورا تصمیم به گسترش حق رای خود دارد و بنابراین برای دعوت شدگان حق رای قائل است.

۴- رای مشورتی رفتار برای شورا قطعی تلقی می شود و تصمیم به اجرای آن دارد و مسئولیت آن را می پذیرد. دو قرار زیر نیز در اجلاس پیشنهاد شدند که هر یک ۲۷ در صد آراء را کسب کردند:

پیشنهاد اول:

۱- این اجلاس مشورتی است.

۲- تصمیم گیری اجلاس با حق رای برابر شرکت کنندگان وقتی نافذ است که ترکیب اکثریت آراء شورادر تصمیمات وجود داشته باشد.

۳- در غیر این صورت شورا مجدداً تصمیم گیری خواهد کرد.

پیشنهاد دوم:

از مجموعه شرکت کنندگان در جلسه اعضای شورای مرکزی دارای حق رای قطعی و بقیه مدعوین دارای حق رای مشورتی هستند.

به این ترتیب اجلاس پیشنهاد شورا را که جوهر آن اجرای تصمیمات اجلاس با مسئولیت شورا بود، تصویب کرد. پس از آن، اجلاس عمومی در خلال مدتی که دایر بود، به شرح زیر به مسائل در دستور پرداخت:

۱- اظهار نظر پیرامون گزارش های عر ماهه شورا و گروه های کار:

گزارش های سیاسی و فعالیت تشکیلاتی عر ماهه از سوی شورا و گزارش های کار مختلف، نه به منظور اطلاع اجلاس و کل تشکیلات، و اظهار نظر مدعوین پیرامون آنها و تدقیق بعدی آن ها، به اجلاس ارائه شده بودند. سخنرانان مختلف ضمن تأیید موضع کلی شورا در قبال مهمترین واقعه سیاسی همزمان با دوره فعالیت شورا، یعنی بحران و سپس جنگ خلیج فارس، کاستی ها و لغزش های موجود در مواضع شورا را متذکر شدند. شورا تجاوز عراق به کویت را محکوم کرده و در روند بعدی حوادث، ضمن اتخاذ موضع انتقادی نسبت به قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل، آمریکا را نیز به عنوان مسئول اصلی شروع جنگی که می شد از آن پرهیز کرد، محکوم کرده و شعار قطع بی قید و شرط جنگ را طرح کرده بود. سخنرانان نیز این نظر را ابرار داشتند که طرح شعار قطع بدون قید و شرط جنگ و مطالبه صلح مجرد تمایز روشنی با آنچه امروز صدام حسین طرح می کند ندارد و این شعار می باید توأم با پذیرش عقب نشینی عراق از کویت طرح شود.

بحث و اظهار نظر درباره سیاست اتحادها نیز از زمره موارد قابل توجه سخنرانان بود. اظهار نظر ها بر یک جنبه از مساله تمرکز بیشتری داشت: آیا ترتیب مبارزه ابتدا برای تشکیل اتحاد چپ، سپس برای اتحاد نیروهای جمهوری خواه و عاقبت برای اتحاد وسیع نیروهای اپوزیسیون صحیح است؟ توجه نظرات در این باره گسترده بود. کسانی بر این نظر بودند که ترتیب فوق اولی است و به حد قدرت چپ در جامعه مربوط می شود. این رفتار اتحاد عمل و همکاری با سلطنت طلبان را یا در شرایط فعلی و یا به طور کلی، به لحاظ تغییر سلطنت با صلح، دموکراسی و منافع ملی، رد می کردند. کسان دیگر، به لحاظ این که "چشم انداز نزدیک اتحاد چپ فیرواقعی است"، یا بر لزوم تلاش مقدم برای ایجاد اتحادهای وسیع از همه نیروهای اپوزیسیون حول دموکراسی تاکید می کردند و یا تشکیل جبهه جمهوری را هدف مقدم سیاست اتحادها می دانستند.

پیرامون سایر موارد مندرج در گزارش سیاسی شورا نیز اظهار نظر های پراکنده ای صورت گرفت. قرار بر این شد که گزارش پس از وارد کردن تذکرات در ست سخنرانان در آن، انتشار یابد.

در برخورد به گزارش فعالیت عر ماهه شورا، غالب سخنرانان، ضن ارزیابی مثبت از کار شورا، انتقاداتی را از زوایای مختلف به کار آن وارد دانستند. ضعف ارتباط شورا با تشکیلات و گروه های کار انتقاد بیشتر سخنرانان به کار شورا بود.

حاضرین در اجلاس همچنین نسبت به گزارش گروه های کار روابط عمومی، تشکیلات داخل، تشکیلات خارج، مالی، نشریات کار و اکثریت، خلق ها، تدارک اسناد کنگره و رادیو اظهار نظر کردند و ضعف کار هر کدام را مورد تاکید قرار دادند. اجلاس قرارهایی را نیز در ارتباط با تعدادی از این گروه ها صادر کرد. قرارهای صادره در مورد گروه های کار خلق ها - روابط عمومی، و تدارک اسناد کنگره به قرار زیر بودند:

درباره گروه های کار خلق ها - روابط عمومی:

شورا موجبات هماهنگی دو گروه کار خلق ها و روابط عمومی را در

گزارش تحولات سیاسی کشور و منطقه و ...

وجود دارد که در چشم انداز آتی برخی گشایشها در هر ضه اقتصاد پدید آید، اما سیر منفی روندها در اقتصاد متوقف شده است.

واضح است که این موضع گیری پاسخگوی همه مسئله نیست و پیگیری مستمر روندها و رسیدن به پاسخ روشن تر باید همچنان ادامه یابد و ارزیابی دقیق تری از سیر تحولات، بویژه در زمینه اقتصاد صورت گیرد و به این سوال پاسخ روشن تری داده شود که سیر و فرجام بحران اقتصادی موجود چه خواهد بود؟

شاید هنوز نتوان از "برنامه گروه بندی رفسنجانی" سخن گفت، اما بر اساس مجموعه جهت گیری های این گروه بندی می توان، کوشش در جهت هادی سازی مناسبات با دول غربی و بویژه آمریکا، اقدام در جهت بازتر کردن درها و هم پیوندی بیشتر با اقتصاد جهان سرمایه داری، فراهم کردن تسهیلات بیشتر برای بخش خصوصی و تداوم استبداد سیاسی ضمن نشان دادن برخی نرمش ها در زمینه حقوق فردی و اجتماعی شهروندان را عمده ترین جهت گیری های برنامه ای دولت رفسنجانی دانست. تا امروز موضع ماتاکید بر دموکراسی (که بر پایه نگرش دموکراسی سازمان، مسئله اصلی کشور تلقی می شود) و اعلام مخالفت با رفسنجانی و گروه بندی مسلط (که به مثابه نیروی اصلی حکومت نقش اصلی را در سرکوب و اختناق برعهده دارد) بوده است.

روشن است که این هنوز موضع جامع ای نیست و ماناگزیریم در مورد مواضع رفسنجانی در هر صحنه سیاست خارجی و مسائل اقتصادی و اجتماعی اظهار نظر کنیم. تا اکنون ما ضمن تأیید اصل سیاست هادی سازی رابطه با غرب، رفسنجانی را بعنوان معمار مشی "ایران گیت" مورد حمله قرار داده و یادآور شده ایم که مجموعه عواملی که او را وادار می کنند که نوع رابطه اش با غرب و بویژه آمریکا را از چشم مردم پنهان کند سبب می شوند که از فائده امکان و توان احیای رابطه معقول و از موضع برابر حقوق با طرف مقابل باشد.

علاوه بر سیاست خارجی ما با شماری از اقدامات - هر چند محدود و نیم بند - از سوی دولت رفسنجانی روبرو هستیم که ممکن است در جهت کاهش فشار بر مردم نتایجی به بار آورد، برخی اقدامات در جهت تضعیف مکتب به سود تخصص و در راستای کاستن از نفوذ حزب الله بر زنان و زندگی اجتماعی مردم گاه به گاه صورت می گیرد و تلاشهایی از این گونه در شمار حرکتی است که در جامعه بازتاب نسبتاً وسیع می یابند. ما تاکنون از اتحاد مواضع صریح در اینگونه موارد خودداری کرده ایم اما صحیح تر آن است که ضمن حفظ موضع مخالفت قاطعانه با گروه بندی رفسنجانی و خامنه ای و مقابله با توهم پراکنی های حکومت، هر اقدام، ولو محدود و کوچکی را که مثبت ارزیابی می کنیم، مورد پشتیبانی قرار دهیم و در تداوم انفاذگری علیه گروه بندی مسلط انتقاد از محافل تند رو و افشای مستمر اجنبی ستیزی ماجراجوئی و بی برنامه گی آنها را تشدید کنیم.

شورا همه عراق است. شورا همه میهنان آزاده و صلح دوست را به مشارکت فعال در این امر انسانی فرا می خواند، گرچه با اطلاعات کافی برای قضاوت قطعی پیرامون نقش دولت رفسنجانی در مجموعه روندهای منطقه در دست نیست، اما بر اساس مجموعه شواهد می توان گفت که دولت ایران تا کنون نتوانسته است تناسب یا نقش و جایگاهش در منطقه در جهت جلوگیری از جنگ و حفظ صلح تأثیر بگذارد و در همین حال کوشیده است با استفاده از این جنگ در جهت مشروعیت بخشیدن رابطه خود با امریکا سود جوید.

باناکام ماندن طرح درهم توپیدن برق آسیا ارتش صدام، اینک اخباری در باره تلاش برای تجزیه عراق انتشار می یابند و برخی حکومت های منطقه متقابلاً به یکدیگر برای خصوص مشارکت می دهند. شورای مرکزی سازمان هر نوع تلاش برای تصمیم گیری پیرامون آینده عراق در خارج از عراق را قویاً محکوم می کند و بر این باور است که تنها مردم عراق و حکومت های ساکن این کشورند که حق دارند پیرامون آینده آن تصمیم بگیرند.

درباره تحولات کشور

تحولات کشور طی ماه های گذشته کماکان تحت تأثیر جدی درگیری های درون حکومت قرار داشت. این درگیری ها که در جریان انتخابات مجلس خبرگان اوج تازه و کم سابقه ای یافت و به دنبال وارد شدن یک ضربه سنگین و کاری بر جریانات "تندرو" از یکسو و تضعیف اعتبار خامنه ای و تقویت نقش و موقعیت رفسنجانی از سوی دیگر، موقتاً فروکش کرد. در شرایطی که طرفین به تدارک قوا برای دور بعدی درگیری روی آورده اند، در سطحی دیگر و در اشکال پراکنده ادامه دارد.

مجموعه تحولات یاد شده در سرمقالات و مقالات نشریات سازمان مورد تحلیل و بررسی قرار گرفت و شورای مرکزی طی بیانیه پیش گفته، تحلیل نسبتاً جامعی از سیر تحولات کشور و درگیری های درون حکومت ارائه داد. چون بیانیه شورانتشار یافته، و اکنون نیز در اختیار رفاقت، از ارائه تحلیل مجدد در اینجا خودداری می شود و تنها نکات مهمی که امروز در اتخاذ سیاست دارای اهمیت است، مورد مداقه قرار می گیرد.

مهمترین سئوالات و مسائل و نیز برخی از پاسخهایی که شورا تا امروز به آنها داده است، به قرار زیرند:

۱- بعد از ضرباتی که بر محافل تند رو وارد آمد و تحت تأثیر مجموعه تحولاتی که به دنبال پیشروی و در مسیر صلح با عراق و بحران خلیج پیش آمدند، چه گشایشهای تازه ای برای رفسنجانی و گروه بندی مسلط پدید آمده است؟

شورا در پاسخ به این مسئله اعلام می کند که نتایج مجموعه تحولات را می توان با فراهم شدن امکانات تازه برای خارج شدن مشی رفسنجانی از چنبره تضادهای حکومتی توضیح داد. اما هنوز تحولات کشور، تحت تأثیر جدی جنگ قدرت دو جناح رژیم قرار دارد و گرچه این احتمال

گزارش تحولات سیاسی کشور و منطقه و ...

در برخورد بادرگیری جناحهای رژیم این سوال وجود دارد که سیاست ما در تحلیل نهائی باید در جهت تضعیف یا تقویت کدام یک تاثیر بگذارد. پاسخ ما بدین سؤال این است که سیاست ما باید با در نظر داشت مستمر منافع ملی، تضعیف کل حکومت در مقابل تقویت اپوزیسیون ملی و دموکرات راهدخویش قرار دهد و هیچیک از جناحهای حکومت شایسته پشتیبانی نیروهای ترقیخواه کشور نیستند. چنین سیاستی البته ممکن است در اینجا با آنجا به سود است و نباید ما را از پافشاری بر خط مشی اصولی خویش باز دارد.

۳- تضادهای درون حکومت را چگونه باید دسته بندی نمود و فرمول دو جناح، "مسلط" و "تندرو" تا چه میزان بیانگر واقعیت های موجود است؟
تأجبا که به ارزیابی از گروه بندی مسلط مربوط میشود، این گروه بندی ائتلافی است از رفسنجانی، خامنه ای و جریان رسالت که هلی رهم تضادهای درونی و تعلقات متفاوت در مجموع می کوشد بر مجموعه های مرکب از بازار، محافل بوروکرات و تکنوکرات، سرمایه صنعتی، بخشهایی از روحانیت و حزب الله، ارتش و نیروهای مسلح متکی باشد. این ائتلاف در درون خود با تنشهایی روبروست که هرازگاهی در موضع گیریهای متفاوت سران آن انعکاس می یابد. اما موثلفین در مبارزه علیه تندروها و در هناصری از بر نامه رفسنجانی اشتراک نظر دارند و از زمان مرگ خمینی تا امروز به رهم تنشهای درونی و جنگ قدرت توانسته اند ائتلاف خویش را حفظ کنند. پیش بینی آینده این ائتلاف البته آسان نیست. اما دو نکته روشن است: نخست آنکه رفسنجانی اگر بخواهد به وعده هایی که در زمینه افزایش تولید و مهارتورم و قلیه بر بحران اقتصادی داده، عمل کند، چاره ای جز اعمال فشارهای جدی بر بازار ندارد و بازاری که طی دوازده سال حکومت فقط در سایه حمایت مستمر حکومت، و ثروتهای نجومی اندوخته و به کسب درآمد آسان و نامعقول هادت کرده، به هیچوجه محدودیتی به آسانی تن نخواهد داد و نکته دوم که اهمیت کمتری ندارد این است که دو پادشاه در ائتلمی ننگند، و تقسیم کار موقتی که در شرایط اضطراری بعد از مرگ خمینی بین خامنه ای و رفسنجانی انجام گرفت و به تقسیم قدرت میان دو نهاد "ولایت فقیه" و "ریاست جمهوری" منجر شد، باروند اجتناب ناپذیر تمرکز قدرت که لازمه حکومت های استبدادی است در تناقض قرار دارد.

و اما درباره جناح تندرو، این جناح طیف گسترده ای از چماقداران بدنامی نظیر خلخال، هادی ففاری تا روشنفکران برخاسته از محیطهای دانشگاهی نظیر افروزاده را در برمی گیرد که تنها در مقابله با سیاست خارجی و برنامه اقتصادی رفسنجانی و گروه بندی مسلط اشتراک نظر دارند و آنجا که برنامه های اثباتی مطرح می شوند، پیش از اختلاف نظر باید از فقدان نظر و سردرگمی آنها سخن گفت.

در این جناح، بویژه بعد از شکست در جریان مجلس خبرگان، تمایلات نسبتاً متفاوتی در هر صه های مختلف به چشم می خورد. برخی از عناصر بانفوذ آن، به سازش با گروه بندی مسلط و پذیرش سهمی که برایشان منظور شده، تمایل دارند در حالیکه برخی دیگر در مخالفت با طیف مقابل و بویژه شخص رفسنجانی بیش از گذشته پیگیری نشان می دهند در سایر هر صه هائیز در شرایطی که دسته ای به نارنجک اندازی و مقابله علیه بی حجابی و حمایت از صدام حسین روی آورده و حول محتشمی و بیانییه ۵ ماده ای او گرد آمده اند، هناصری به احیای رابطه با منتظری می اندیشند و جمعی نیز به انگشت نهدان بر تضاد "ولایت فقیه" با "حکومت مردم" تمایلاتی نشان داده اند. و به نظر می رسد که در این مجموعه نیم نگاهی به اعتراضات همومی و تیز کردن آتش مبارزه مردم و سوق دادن آن علیه گروه بندی حاکم به قصد بهره برداری از آن در خدمت اهداف خویش نیز وجود داشته اند.

وجود اختلاف نظرهای نسبتاً جدی و قابل ملاحظه در این جناح و نبود یک رهبری شکل یافته و متمرکز در میان آنها این سؤال را مطرح کرده که تنها چه وقت آنها قادر خواهند بود حول مسائلی نظیر مخالفت کلی با ائتلاف حاکم متحد بهانند؟

آیا در انتخابات مجلس که جناح مسلطان هم اکنون مصمم است با تکرار تجربه خبرگان، "اتر از آن خود کند، آخرین سنگر مهم تندروها نیز فتح نخواهد شد و چیزی که به صورت اکثریت مجلس شکل گرفته و تا حدودی بیانگر تعین سازمانی تندروهاست، نابود نخواهد شد؟ گر چه سیر همومی روندها در این جهت است، اما پیش بینی قطعی محتاج به گذشت زمان بیشتری است.

۴- جنبش توده ای در چه وضعیتی است و در کدام جهت سیر خواهد کرد؟

بعد از استقرار آتش بس میان ایران و عراق این انتظار منطقی که جنبش مطالباتی مردم از رکود بدر آید و مردم برای کسب حقوق لگدمال شده خویش دست به اشکال مختلف مبارزه جمعی بزنند، به دلایل متعدد متحقق نشد و رکود نسبی همچنان ادامه پیدا کرد. اما در ماههای اخیر تحولاتی در این هر صه پدید آمده است. بعد از اعتراض گسترده رهنشگان، بعد از سالها رکود، شروع دور تازه ای از مبارزه مردمی را نوید داد. دولت رفسنجانی در مقابل این حرکت، عقب نشینی کرد و بجای توسل به زور نه افزون بر حقوق کارمندان روی آورد و سپس به عنوان یک اقدام پیشگیرانه به حقوق ماهیانه مزد و حقوق بگیران تحت پوشش بیمه نیز ۲۵۰۰۰ ریال افزوده خبرهای رسیده بیانگر آن است که این تمهیدات چندان موثر نبوده اند و با افزایش سریع قیمت ها که با شواور شدن نرخ برابری ریال احتمالاً باز هم سریع تر خواهد شد، قدرت خرید مردم همچنان رو به کاهش است.

شکاف موجود در حکومت نیاز تندروها برای آنکه در میان مردم بتوان مدافع عدالت اجتماعی شناخته شوند و از این طریق علیه رفسنجانی نیرو بسیج کنند و تمایل رفسنجانی برای اینکه در افکار همومی سیمائی مخالف سرکوب ضمن داشته باشد و تحولات اخیر منطقه مجموعه شرایطی را پدید آورده که تحمیل عقب نشینی به رژیم در هر صه جنبش مطالباتی به امکانی واقعی بدل شود. پیروزی نسبی نخستین حرکات اعتراضی این امکان را تقویت کرده و گسترش حرکات مردمی با خواسته های صنفی را در دستور روز قرار داده است، این نکته برای فعالین سازمان در داخل کشور دارای اهمیت حدی است و وظایف تازه ای را در دستور کار سازمان و دستگاه رهبری آن قرار می دهد.

اصلاح ساختار تشکیلات و سبک کار در داخل کشور که از سالهای پیش آغاز شده در خدمت حضور موثر تر فعالین سازمان در جنبش مطالباتی مردم قرار داد. شورای مرکزی می کوشد تا از طریق ادامه اصلاحات و پیگیری مستمر سیر مبارزات صنفی و مطالباتی و ارائه پیشنهاد های مناسب به فعالین داخل حضور سازمان در مبارزات مردم را افزایش یابد.

۵- آیا گشایشی در زمینه آزادیهای فردی و سیاسی پدید خواهد آمد؟

ساختار مپتنی بر ولایت فقیه حکومت، جایگزینی یک استبداد فردی تازه بجای مطلق العنانی خمینی را به امری اجتناب ناپذیر بدل می کند و تا آنجائی که به تمایل و خواست حکومتگران مربوط است آنها در جهت پر کردن خلاخیمینی در رأس حکومت حرکت می کنند. اما همه چیز طبق تمایل آنان پیش نمی رود. تضاد حاد جناحین حکومت که اینجا و آنجا به برخورد مسلحانه نیز منجر شده است، نبود شخصیتی که همین امروز بتواند خلا خمینی را بر کند و مورد قبول دیگران و پایه اجتماعی رژیم قرار بگیرد، بحران حاد اقتصادی و اجتماعی، ناراضیاتی همومی و حرکات اعتراضی توده ای، سیر تحولات جهانی و یک سلسله عوامل دیگر، روند جایگزینی را کند و در موارد متعدد دچار وقفه و عقب نشینی می سازند.

روند زیرکزی جایگزینی، خواه ناخواه روزه ها و گاه شکافهایی در دیوار بلند و قطور استبداد ایجاد می کند و امکانات مناسبی برای گسترش مبارزه در راه آزادی و به عقب راندن رژیم در این هر صه پدید می آورد. بویژه برای ما که در راه پایان دادن به رژیم جمهوری اسلامی مبارزه می کنیم همواره این خطر وجود دارد که از دیدن این امکانات واقعی محروم بهانیم و نتوانیم میان روندهای همومی و کلی و شرایط مشخص هر لحظه، رابطه منطقی برقرار سازیم.

پیشنهاد تمرکز مبارزه برای پایان دادن به رژیم حول خواست انتخابات آزاد که از سوی شورا در سند کار پایه سیاسی مطرح شد و تلاش برای هر چه منصف تر کردن اشکال سازماندهی و شیوه های کار

در داخل کشور، به فعالین سازمان کمک خواهند کرد تا بتوانند از امکانات مساعدی که در این یا آن مقطع پدید می آید- هر اندازه که این امکانات محدود و گذرا باشند- بدرستی در جهت هدف کلی پایان دادن به رژیم جمهوری اسلامی استفاده کنند.

۶- آیا قطبی از اپوزیسیون ترقیخواه شکل می گیرد؟

تحولات نظری که در سالهای اخیر در مجموعه نیروهای سیاسی و بویژه در اردوگاه چپ جریان داشته، اکنون به نظر می رسد که از نقاط ضعیف عبور کرده، روند و اگرانی متوقف و همگرانی های فکری رو به گسترش نهاده است. این واقعیت موجب برخی

خوش بینی هاشده است که می توان آنرا شتابزده ارزیابی نمود. اما جدا از این خوش بینی ها روند همگرانی ر وند واقعی است که با آهنگ خاص خود به کندی پیش می رود. در این رابطه با این روند و چگونگی برخورد با سایر نیروهای سیاسی ما باید مقدمات به این سؤال تئوریک پاسخ بدهیم که آیا مجموعه اهداف خویش را تفکیک ناپذیر میدانیم و یا آماده ایم با کسانی که مایلند بخشی از راه را با ما طی کنند، متحد شویم؟ از نظر ما اهدافمان تفکیک پذیرند و می توان بخشی از راه را با متحدین همان بخش طی نمود. بر این مبنا ما خواستار تلاش همزمان در سه هر صه زیر هستیم و این خواست را در کار پایه سیاسی پیشنهادی نیز منعکس کرده ایم.

۱- مبارزه در راه وحدت چپ در شکلی منعطف و فراگیر.

۲- تلاش در راه اتحاد جبهه ای با سایر نیروهای سیاسی دموکرات و ملی در "جبهه جمهوری" که در راه برقراری جمهوری پارلمانی مبارزه می کند.

۳- تلاش برای یافتن زبان مشترک با نیروهای بینابینی که ضمن دفاع محدود از اشکال محدودی از دموکراسی با نیروهای مدافع حکومت اسلامی و یا سلطنت پیوند دارند. این نیروها در شرایط مساعد سیاسی می توانند بعنوان متحدین موقت "جبهه جمهوری" نقش مثبت داشته باشند.

در مبارزه در راه وحدت چپ، هنوز مسائل و مشکلات نظری منافع اصلی به شمار می رود. روندهای طی شده در چند سال گذشته و تلاش گسترده ای که برای باز تبیین هویت چپ صورت گرفته، بخشی از موانع نظری را بر طرف ساخته است. اما هنوز تا دستیابی به بنیانهای نظری و واحد، راه نه چندان کمی مانده است. از اینرو شورا ضمن دفاع از سمتگیری کلی وحدت چپ ممکن است تکیه نمود و از هر نوع شتابزدگی که می تواند به سرهم بندی پلاتفرم های ناپایدار منجر شود، خودداری ورزید.

در رابطه با "جبهه جمهوری" پراکندگی تاسف باری که اکنون هم در میان چپ و هم در میان نیروی جمهوری خواه دموکرات و خوددار، مانع پیشروی با آهنگ مطلوب در مسیر اتحاد است. اما روندهای طی شده در ماههای گذشته و مناسبات رو به گسترش ما با این نیروها، امیدواری هائی پدید آورده است. شورا ضمن حفظ گسترش مناسبات موجود، تلاش می کند تا این روابط از حد بحث و تبادل نظر فراتر رود و به همکاری سیاسی مشخص فرا برود. توفیق در این هر صه، نقطه عطفی را در مناسبات فيما بین که در گذشته اسبب های جدی بر آن وارد آمد رقم خواهد زد.

هیئت پارلمانی جمهوری اسلامی در اردن

می یافت تا سلطه خود را در منطقه تحکیم بخشد. هیئت فوق قبل از ورود به اردن در سوریه نیز توقف کرده بود.

سفر هیئت پارلمانی جمهوری اسلامی را نباید با تلاش جناح های تندرو - که در مجلس اکثریت دارند - برای دخالت مستقیم در وضعیت پدید آمده ناشی از جنگ بی ارتباط دانست. سفر این هیئت در تهران با بی اعتنائی کامل مواجه شد.

سوی هیچ کس جدی گرفته نشد. هیئت فوق با مقامات بلند پایه کشور اردن ملاقات کرد و محمد سلامتی در مجلس سنای اردن سخنرانی نمود. وی در این سخنرانی گفت: آمریکا و اسرائیل می خواهند با کمک این جنگ سلطه گری خود را در منطقه تحکیم بخشند و منابع نفت و ثروت مسلمانان و اعراب منطقه را در اختیار خود بگیرند. سلامتی افزود: حتی اگر این مسئله اشغال کویت توسط عراق، و وجود نداشت استکبار جهانی بهانه دیگری

یک هیئت پارلمانی ایران به ریاست محمد سلامتی، هفته گذشته راهی امان پایتخت اردن شد. این هیئت نخستین هیئت جمهوری اسلامی است که پس از ۱۰ سال قطع رابطه به اردن سفر کرده است. حامل پیام کتبی مهدی کربوبی رئیس مجلس شورای اسلامی برای عبداللطیف قرویه رئیس پارلمان لبنان بود. پیام کربوبی در رابطه با جنگ خلیج فارس بوده است.

مهدی کربوبی قبلا یک طرح صلح ۵ ماده ای ارایه کرده بود، که از

سیل زدگان به حال خود رها شده اند

پتیه از صفحه اول

افغانستان به زمین نشسته که با ذوب این برف احتمال جاری شدن مجدد سیل وجود دارد و خطر همچنان این منطقه را تهدید می کند. لازم به یادآوری است که ۱۰۰ روستایی که در جریان سیل اخیر ویران شدند در سیل فروردین ماه گذشته در این ناحیه نیز تخریب و ویران شده بود.

این سرزمین محروم و بلادیده که اینک انبوهی از قربانیان سیل اخیر را در خود جای داده و با خطر سیلی مجدد تهدید می شود، به حال خود رها شده است. نه کمک های امدادی و نه اقدامات پیشگیرانه برای مقابله با خطرات آینده از سوی نهادهای دولتی صورت نمی گیرد.

قابل توجهی به سیل زدگان صورت نمی گیرد. سرنوشت ده ها هزار خانوار محاصره شده در سیل هنوز ناروشن است و به نظر می رسد تعداد کسانی که جان خود را از دست داده اند بسیار بیشتر از آمار اعلام شده (۱۰ نفر) از سوی مقامات دولتی باشد.

سیل از آخرین ساعات روز دوشنبه ۱۵ بهمن شروع به فروکش کرد. اما تاکنون نیز اثرات آن از بین نرفته است و این در حالی است که احتمال جاری شدن مجدد سیل این منطقه را همچنان تهدید میکند. بنا به گفته استاندار سیستان و بلوچستان حدود ۲ متر برف در استان "قرا"

جهت نجات و اسکان سیل زدگان و رساندن مواد غذایی به بیش از ۵۰ هزار خانوار سرگردان در کنار جاده ها انجام نگرفته بود. ستاد سیل زایل از چادر و مواد غذایی بی بهره است و از آغاز بروز سیل در انتظار هلی کوپترهای شنوک است که هنوز (۱۵ بهمن) به منطقه نیامده اند. فرماندار زابل در چهارمین روز وقوع سیل اعلام کرد که فقط از امکانات این شهرستان برای نجات سیل زدگان استفاده شده و تاکنون امکانات کافی از دیگر مناطق ارسال نشده است. گزارشات بعدی حاکی از آن است که این وضعیت تا هم اکنون نیز ادامه دارد و کمک های امدادی

این مقاله به بررسی جنگ خلیج فارس و تحولات آن می‌پردازد.

این مقاله به بررسی جنگ خلیج فارس و تحولات آن می‌پردازد.

این مقاله به بررسی جنگ خلیج فارس و تحولات آن می‌پردازد.

این مقاله به بررسی جنگ خلیج فارس و تحولات آن می‌پردازد.

این مقاله به بررسی جنگ خلیج فارس و تحولات آن می‌پردازد.

جنگ در خلیج فارس با شدّت تمام ادامه دارد. نیروهای نظامی امریکا و متحدین او تحت عنوان **”آزاد سازی کویت“** با مدرن‌ترین و پیشرفته ترین سلاحها مردم عراق و ثروتهای آن را نابود می‌سازند. قبل از شروع جنگ، تلاشهای زیادی صورت گرفت تا بحران خلیج بطرق مسالمت آمیز حل شودولی سرانجام بخاطر کله شقی صدام و اهداف تجاوزگرانه آمریکا،”راه حل “نظامی بر اقدامات سیاسی – دیپلماتیک و تحریم های اقتصادی غلبه کردو فاجعه جنگ آغاز شد. جنگ بدون تردید جان صدها هزار انسان را خواهد گرفت،ویرانیهای عظیم بجا خواهد گذاشت. در همین حال جنگ بر آینده منطقه خاورمیانه و جهان تأثیرات جدی خواهد داشت که هنوز نمیتوان بدقت در مورد آن صحبت کرد.

ولی شروع جنگ به برخی مسائلی که در ذهن مامطرح بود، پاسخ گفت. قبل از شروع جنگ این مسئله بطور جدی مطرح بود که آیا بحران جنگ خلیج بجنگ خواهدانجامیدو یا از طریق مذاکره حل و فصل خواهد شد؟ آیا گرایش توسل به جنگ بر گرایش حل بحران از طریق سیاسی –دیپلماتیک غلبه خواهد کرد؟

تا شروع جنگ نظرات مختلف در این مورد بیان میشد. پیش بینی اینکه بحران خلیج الزاما به جنگ منجر خواهد شد، دشوار مینمودو شاید جواب قطعی دادن بآن غیر منطقی. چرا که احتیاج به اطلاعات وسیع از مواضع دو طرف و سیر روندها داشت. ولی در همین حال نظری قاطعانه میگفت که ”جنگ نخواهد شد“ این حکم قطعی نه ناشی از بررسی انبوه فاکت ها، بلکه از ارزیابی معین از اوضاع بین المللی و عملکرد دولت آمریکامنتج میشد. ولی شروع جنگ این ارزیابی را نغی نمودو نشان داد که در ذهن طرفداران این نظر سیمای جهان بگونه زیباتر،انسانی تر و دموکراتیک‌تر ازواقعیت آن ترسیم شده و زشتی‌های آن که حتی در طی دهه اخیر در برخی زمینه‌ها افزایش‌یافته، نادیده گرفته شده‌است و این تصور بوجود آمده است که گویادرمناسبات بین المللی بالکل زبان ”مذاکره“ جایگزین زبان ”زور و تجاوز“ گردیده است. در بحران خلیج آنچه بکار گرفته شد زبان ”زور و تجاوز“بودنه ”مذاکره “،هم از جانب صدام و هم از جانب امریکاو متحدین او.

این مسائل ما را به نگاه عمیق تر و همه جانبه تر به روند تحولات جهانی و جهات گسترش آن فرا می‌خواند تا از خوش‌بینی‌های بیهوده و بر خوردهای یک جانبه و سطحی احتراز جوئیم و در پی شناخت سمت تحولات آتی جهان و ماهیت و عملکردنیروهای مختلف آن باشیم. نیروهای چپ ایران با درک این ضرورت، لازمست تلاشهای خود روی این موضوع متمرکز سازند. این مطلب نگاهی است گذرا به بحران خلیج فارس بر بستر تحولات چندسال اخیر.

در دهه‌های گذشته سمت تحولات جهانی راهمدا تضاد بین شرق و غرب رقم می‌زد. از سال ۱۹۸۵ تحولات همیتی در اتحاد شوروی آغاز شدو منجر بآن گشت که این کشور حق مردم سایر کشورها را در انتخاب راهشان بر سمیت شناخت و تحمیل اراده خود بر دیگر کشورها را رد کردو بر تامین صلح و امنیت بین المللی، ساختن جهان هاری از سلاح هسته‌ای و هاری از فقر، همکاری این کشورها بر اساس حقوق برابر تاکید ورزیدو این اصول را در هر صه بین المللی با ابتکارات بیسابقه خودبکار بست. امضا قرار دادهای مربوطبه سلاح‌های هسته‌ای، نابودی موشکهای میان برد، کاهش یک‌جانبه‌نیروهای نظامی، خروج از افغانستان،اعتراف به خطا بودن لشکر کشی به چکسلواکی و افغانستان، ترفیق تحولات دموکراتیک در اروپای شرقی و هدم مداخله در امور داخلی آنها، تلاش برای حل مسائل بین المللی از طریق مسالمت آمیز.*

تحولات در اتحاد شوروی و سایر کشورهای اروپای شرقی، فروپاشی پیمان ورشو و پایان یافتن ”جنگ سرد“ زمینه‌های مساعدی را برای برقراری نظم نوینی در مناسبات بین المللی یعنی نظم مبتنی بر صلح و امنیت همگانی، پذیرش برابری ملل جهان، احترام به استقلال و آزادی ملت ها در انتخاب راه رشدشان، زدودن فقر به مثابه وسیله حل اختلافات در مناسبات بین کشورها بوجود آمد.

سران آمریکا در ابتدا نسبت به تحولات در اتحاد شوروی با دیده شک می‌نگریستند. ولی آنها با تداوم تحولات در شوروی، فروپاشی پیمان ”ورشو“ و تغییر رژیم‌های کشورهای اروپای شرقی و بر اثر بحران اقتصادی آمریکاو زیر فشار جنبش صلح در جهان به کاهش سلاح‌های هسته‌ای،کلاسیکو شیمیایی تن دادندو قراردادهای مهمی در این زمینه با شوروی امضا کردند.

این مقاله به بررسی جنگ خلیج فارس و تحولات آن می‌پردازد.

این مقاله به بررسی جنگ خلیج فارس و تحولات آن می‌پردازد.

این مقاله به بررسی جنگ خلیج فارس و تحولات آن می‌پردازد.

این مقاله به بررسی جنگ خلیج فارس و تحولات آن می‌پردازد.

این مقاله به بررسی جنگ خلیج فارس و تحولات آن می‌پردازد.

آیا امضا این قرار دادها و پذیرش کاهش سلاحها بمعنی دگرگونی ماهیت و عملکرد دولت آمریکاست؟ آیا نیروهای طرفدار نظم نوین جهانی از آنچنان توان برخوردارندکه آمریکاو متحدین اورا وادار به پذیرش چنین نظمی بکنند؟ آیا در حال حاضر توازن نیروها در سطح بین المللی بجهات گوناگون بگونه‌ای است که میتوان تجاوزو جنگ را مهار کرد؟ آیا سمت تحولات جهانی تنها در جهت تامین نظم نوین بین المللی است و یا گرایشهای دیگری نیز قویا عمل میکنند؟ پاسخ به این سئوالات بلحاظ شناخت سمت تحولات جهانی دارای اهمیت زیادی است.

بهران خلیج فارس هر صه مناسبی برای محک زدن سیاستهای آمریکاو بخشا یافتن جواب سئوالات بالاست. اشغال کویت توسط رژیم صدام حسین، بدون تردید اقدام تجاوزگرانه و مغایر با حقوق بین المللی بود و به حق این تجاوز در سطح جهان محکوم گردید. ولی این اقدام هیچ حقانیت و مشروعیت به حمله نظامی آمریکا نمی‌بخشد. ظاهر قضیه این است که آمریکا و همدستان وی میخواهند متجاوز را سرچایش به‌نشانندو به اشغال کویت خاتمه دهند. اگر این هدف تعقیب می‌شد تا هدامی‌بایست فشار سیاسی –دیپلماتیک و تحریم اقتصادی عراق تداوم می‌یافت تا به نتایج معینی برسدو نیازی به جنگ ویرانگر وجود نداشت. ولی واقعیت قضیه چیز دیگری است. ”آمریکا از ابتدا با لشکر کشی وسیع و تاکید بر اقدام نظامی و سرانجام با یورش همه جانبه نشان داد که قصد او نه تامین حقوق بین المللی، بلکه حفظ منافع امریکاو متحدین او در خاور میانه است.

برای دفع یک تجاوز، دست یازی به یک تجاوز بزرگتر نمی‌تواند قابل توجیه باشد. قصد آمریکا از این جنگ معلوم است و مردم صلح دوست جهان در شعارشان منعکس می‌کنند: ”کون برای نفت، نه“ جرج بوش این مسئله را در گزارش به کنگره آمریکا هلنا اعلام کرد: ”قدرت ملی امریکا هم چنان بر بنیه و تحرک اقتصادیمان تکیه کرده است. برای حفظ موقعیت رهبری جهانی، ما نه تنها دیپلماسی ماهرانه و نیروی نظامی قوی نیاز داریم بلکه به اقتصاد پویا مبتنی بر تامین انرژی نیازمند هستیم. تامین مستمر انرژی برای پیشرفت و امنیت ماحیاتی است.

تمرکز ۶۵٪ از ذخایر شناخته شده نفت جهان در خلیج فارس بدین معنی است که باید تضمین کنیم که در آینده هم به مواد نفتی با قیمت رقابت در بازار جهانی دسترسی داشته باشیم. علاوه براین باید بتوانیم که در صورت بروز هر گونه اختلال همدهای در هر صه نفت در منطقه پاسخی مناسب و سریع داشته باشیم. (روزنامه کیهان –۲۰ آذر ۱۳۶۹). این سخنان نشان می‌دهد که جنگ با عراق برای تامین مستمر عرضه انرژی برای امنیت و پیشرفت آمریکاو متحدین او است.

در دهه‌های گذشته وجود دو پیمان نظامی ”ناتو“ و ”ورشو“، دو اردوگاه ”غرب“ و ”شرق“ و وجود توازن نظامی بین آنها محدودیت هایی را بر دو طرف تحمیل می‌کردو کمک‌های بلوک شرق به مبارزات راهائی بخش کشورهای جهان سوم توان آنها را در مقابله با تجاوز امریکا (نمومه ویتنام) بالا می‌بردو مانع بیکه تازی این کشور میشد. در سالهای اخیر یک قطب دچار تحولات اساسی گردیدولی در قطب دیگر تحول پایه‌ای صورت نگرفت. با وجود تقویت نیروهای طرفدار نظم نوین در سطح جهانی، دست آمریکاو متحدین او باز گردید. در دوره حکومت ریگان و بوش تحولات مثبت و اساسی در ساختار سیاسی و سیاست‌های داخلی و خارجی امریکا صورت نگرفت و موقعیت انحصارهای نظامی – صنعتی در صحنه سیاسی این کشور تقویت گردید.

آمریکا هم چنان خود را ژاندارم بین المللی بحساب میاوردو هر آنجا که ایجاب میکند قوانین بین المللی را بنحو خشن نقض میکند و به قانون جنگل متوسل میشود. جرج بوش در مدت نزدیک به دو سال دوره ریاست جمهوریش، چهار بار به لشکر کشی در خارج از مرزهای کشور خود دست زده است. اهرام حت‌های جنگی به فیلیپین برای حمایت از خانم آکینودر برابر کودتاگران در دسامبر ۱۹۸۹، اشغال پاناما و دستگیری رئیس دولت آن، پیاده کردن نیروی ویژه زمینی و دریائی در لیبریا و بالاخره لشکر کشی عظیم به خلیج فارس و جنگ با عراق.

دولت آمریکا بعداز تحولات اروپای شرقی برای انطباق دادن استراتژی خود به شرایط جدید کمیسونی متشکل از کارشناسان سیاسی و نظامی تشکیل داد. این کمیسیون بر استراتژی درگیری‌های خفیف تاکید ورزیدو اعلام کرد که

اکثریت

این مقاله به بررسی جنگ خلیج فارس و تحولات آن می‌پردازد.

این مقاله به بررسی جنگ خلیج فارس و تحولات آن می‌پردازد.

این مقاله به بررسی جنگ خلیج فارس و تحولات آن می‌پردازد.

این مقاله به بررسی جنگ خلیج فارس و تحولات آن می‌پردازد.

این مقاله به بررسی جنگ خلیج فارس و تحولات آن می‌پردازد.

آمریکا باید خود را برای وارد شدن در درگیری‌های جهان سوم آماده‌تر سازدو برای ابتکار باید قدرت مداخله آمریکا تقویت شود، کمک‌به دولت های دوست آمریکا در جهان سوم افزایش یابد، از جنبش‌های ضد کمونیستی در هر کجا که ضرورت دفاع از منافع آمریکا وجود داشته باشد، دفاع شود و سلاحهای کلاسیک ”ظریف“ و ”شبه هسته‌ای“ گسترش یابد. این طرح مبنای سیاست دولت جرج بوش قرار گرفت.

جرج بوش شخصا میخواهد بعداز دگرگونی رژیم‌های کشورهای اروپای شرقی جهان یک قطبی بسرکردگی آمریکا بوجود آورد. او در سخنرانی خود در کنگره آمریکا در روز ۱۱ سپتامبر ۱۹۹۵ این مسئله را آشکار بیان کرد: ”رویدادهای اخیر ثابت کرده‌اند که جایگزینی برای رهبری آمریکا (در جهان) وجود ندارد“. آمریکا نه تنها از تحولات اروپای شرقی برای پی‌ریزی جهان هادلانه و هاری از زور بهره نمی‌گیرد، بلکه از وضع جدید بمثابه سکوی پرش برای تثبیت و گسترش سلطه خود بر جهان استفاده میکند. ناظران امور بین المللی پس از تحولات اروپای شرقی، دو آینده را برای نظام بین المللی پیش بینی می‌کردند. نخست جهانی با یک قدرت که آمریکا در آن حرف آخر را خواهد زد و دوم جهان چند قطبی که آمریکا، اروپا، ژاپن و شوروی بزرگترین قدرتهای موجود در آن بشمار خواهند رفت.

گرچه برخی مطبوعات از ”افول امپراتوری آمریکا“ در پایان این قرن صحبت میکنندولی بوش میخواهد جهان را مطابق منافع و خواستهای خود شکل دهد. بحران خلیج فارس نخستین آزمایشی است برای شکل دادن ساختار بین المللی قدرت در سطح جهان پس از تحولات اروپای شرقی. بحران خلیج فارس تا حدودی مشخص خواهد کرد که قدرتهای تعیین کننده در سطح جهانی کدامندو هر کدام به چه میزان دارای قدرت تاثیر گذاری هستند. در حقیقت آنچه اکنون در خلیج فارس جاری است از یک سو نبرد قدرتی است که رتبه آمریکا و فاصله آن با دیگر کشورهای قدرتمند در هر صه بین المللی به محک می‌خورد و از سوی دیگر روشن خواهد شد که بر اصلی ترین منبع نفی جهان چه نیروهائی و بچه درجه‌ای مسطلمتند و آن را تحت کنترل خود دارند.

آنچه مسلم است اگر دولت بوش به صدام اجازه میداد که کویت را ببلعد دیگر اختیار چندانی برای آمریکا در منطقه خاور میانه نمی‌ماندو کشورهای دیگر نظیر عربستان اعتماد خود را نسبت به آمریکا از دست میدادندو هنوز آنها ابر قدرت جهان و یا بزرگترین قدرت جهانی به تاریخ سپرده میشدو تسلط بر شریان نفتی خلیج فارس دست دیگران می‌افتاد.

این مقاله به بررسی جنگ خلیج فارس و تحولات آن می‌پردازد.

این مقاله به بررسی جنگ خلیج فارس و تحولات آن می‌پردازد.

بحران اقتصادی به آمریکا اجازه نمیدهد که دست تنها وارد عمل شود. هنری کسینجر در سال ۱۹۸۸ گفت: ”علیرقم قدرت نظامی‌مان، توانائی ما برای اینکه جهان را به تنهائی شکل دهیم، محدود تر میشود. ما امکانات مالی لازم را برای اینکه به تنهائی در سطح بین المللی رفتاری مشابه دوره بلافاصله پس از جنگ را داشته باشیم، نداریم“. بهمین خاطر دولت آمریکا سعی میکند پای متحدین خود را بمیان بکشد منتجا با حفظ سرکردگی خود.

جنبه دیگر مسئله، وضع کشورهای ”جنوب“ است. در تحولات جهانی وضع کشورهای ”جنوب“ تغییر نیافته و مناسبات بین ”شمال و جنوب“ بر همان روال سابق است. اگر در گذشته تضاد بین ”شرق“ و ”غرب“ روندهای جهانی را رقم می‌زد، اکنون تضاد ”شمال“ و ”جنوب“ در تحولات جهانی نقش جدی بازی می‌کند. آمریکا که تحولات اروپای شرقی و پایان یافتن ”جنگ سرد“ را پیروزی خودو متحدانش بحساب میاورد، این بار استراتژی خود را بر پایه درگیری‌های ”شمال“ و ”جنوب“ قرار داده و استراتژی ”درگیری خفیف“ را در مقابل ”تهدید“ جنوب تدوین کرده است. بنظر سران آمریکا دیگر ”شرق“ نیست که جهان را تهدید میکند بلکه این ”جنوب“ است که امنیت بین المللی را بهم زده و سرکردگی آمریکا را زیر سؤال می‌برد. جهان نامی‌تواند بر مبنای نظم نوین پی‌ریزی شود در حالیکه تضاد ”شمال“ و ”جنوب“ هم چنان حیات داشته باشد. این تضاد انفجار آمیز است. وضع موجود کشورهای ”جنوب“ نمی‌تواند مدتها دوام

شماره ۳۳۷–۲۹ بهمن ۱۳۶۹

این مقاله به بررسی جنگ خلیج فارس و تحولات آن می‌پردازد.

این مقاله به بررسی جنگ خلیج فارس و تحولات آن می‌پردازد.

این مقاله به بررسی جنگ خلیج فارس و تحولات آن می‌پردازد.

این مقاله به بررسی جنگ خلیج فارس و تحولات آن می‌پردازد.

داشته باشد. خواه ناخواه این تضاد حدت خواهد یافت و جهان را به درگیری و مخاصمات شدید خواهد کشاند. مسائل ”جنوب“ به تنهائی در خود این کشورها قابل حل نیست. گرچه تحولات پایه‌ای در این کشورها برای غلبه بر موانع رشد لازم است. ولی مسائل ”جنوب“، خصلت بین المللی پیدا کرده‌است. مسائل ”شمال“ و ”جنوب“ کافی نیست، ”شمال“ هم باید تحولات در ”جنوب“ را هم تنیده شده‌اند. دگرگون شود و از سلطه جوئی و بهره کشی دست بردارد و به یاری ”جنوب“ برای غلبه بر عقب ماندگی بشتابد.

جهان با وجود دو قطب نتوانست به امنیت و صلح پایدار دست یابد. طبعاً بر مبنای یک قطبی بودن بسرکردگی آمریکا و باوجود تضاد بین ”شمال“ و ”جنوب“ هم روی آرامش نخواهد دید. سلطه طلبی آمریکا بحران را است و بر ضد امنیت و صلح بین المللی است.

نظم نوین تنها بر پایه پذیرش برابری حقوق ملت‌ها نه سلطه این یا آن کشور امکان پذیر است. علاوه در جهان غیر هادلانه نمی‌توان امنیت و صلح را تامین کرد. صلح و امنیت بین المللی قابل تجزیه نیست. با وجود رفاه و پیشرفت در ”شمال“ و فقر و عقب ماندگی ”در جنوب“ نمی‌توان به ثبات بین المللی امیدوار بود. وضع ”جنوب“ و مناسبات ”شمال“ و ”جنوب“ منشا بحران و انفجار است. جلو انفجار ”جنوب“ را نمیتوان با استراتژی ”درگیری خفیف“ گرفت.

در سالهای اخیر روندهای مثبت و امید بخش در سطح جهان شکل گرفته است: کاهش سلاح‌های هسته‌ای، کلاسیکو شیمیائی، تحولات دموکراتیک در اروپای شرقی، خروج نیروهای شوروی از افغانستان، گسترش تلاشها برای مهار ”درگیری‌های منطقه‌ای“ ولی همانگونه که گفته شد در بخش بزرگی از جهان هنوز فقر و فلاکت حکمفرمائی میکند، سیاست‌های تجاوزگرانه و فارت‌گرانه آمریکا و متحدین او ادامه دارد، اسرائیل هم چنان با حمایت غرب با زور و قلدری مناطق اشغالی را حفظ کرده و بوجه خشنی جنبش مردم فلسطین را بخون میکشد.

خطا خواهد بود که فقط روندهای مثبت را ببینیم و روندهای منفی را کم اهمیت و کم رنگ جلوه دهیم. تا دست یابی به نظم نوین جهانی راه طولانی و دشواری را در پیش داریم. هنوز نیروهای طرفدار نظم نوین از آنچنان توان برخوردار نیستند که مبنای هادلانه و هاری از زور را برپا دارندو به سیاست تجاوز و غارت لگام زنند. خام اندیشی و خوش‌بینی غیر واقعی ما را به کجراه خواهد برد.

امروز بیکار علیه سیاستهای سلطه طلبانه و تجاوزکارانه، شکل دهی جهان تک قطبی بسرکردگی آمریکا و مبارزه علیه فارت جهان سوم در مقابل تمام نیروهای ترقی خواه قرار دارد. ”جهان سومی“ و ”چپ“ بودن ما، وظیفه‌امان را سنگین تر کرده‌است. متاسفانه در سالهای اخیر مبارزه علیه سیادت آمریکا و سیاست‌های تجاوزگرانه و فارت‌گرانه آن در جنبش چپ ایران کم رنگ تر شده و در مواردی رنگ باخته است.

برخی براین پندارند که طرح مبارزه علیه سیاست‌های تجاوزکارانه و سلطه طلبانه آمریکا و متحدین وی، بازگشت به دگم‌های قبیلی و همان تفکرات کهنه‌است. باید گفت که ندیدن روندهای واقعی در سطح جهان، پر بهادادن به تحولات اخیر نشاندن اهداف و آرمانها بجای واقعیات تلخ کنونی، چشم پوشیدن بر نیات و ماهیت دولت آمریکا، مغایرت تمام با روند نوسازی و نواندیشی داردو نیروهای چپ و مترقی را بخواب خرگوشی فروبرده و میدان را برای یک تازی ”بینیادگرایان اسلامی“ که پرچم مبارزه علیه سلطه طلبی آمریکا را برافراشته‌اند، میدهد. جنگ خلیج فارس فرصت مساعدی را برای ازبینی و به محک زدن اندیشه‌ها و باورهای نیروهای چپ و شناخت سمت تحولات در جهان و منطقه بوجود آورده است.

این مقاله به بررسی جنگ خلیج فارس و تحولات آن می‌پردازد.

این مقاله به بررسی جنگ خلیج فارس و تحولات آن می‌پردازد.

این مقاله به بررسی جنگ خلیج فارس و تحولات آن می‌پردازد.

این مقاله به بررسی جنگ خلیج فارس و تحولات آن می‌پردازد.

این مقاله به بررسی جنگ خلیج فارس و تحولات آن می‌پردازد.

این مقاله به بررسی جنگ خلیج فارس و تحولات آن می‌پردازد.

این مقاله به بررسی جنگ خلیج فارس و تحولات آن می‌پردازد.

این مقاله به بررسی جنگ خلیج فارس و تحولات آن می‌پردازد.

این مقاله به بررسی جنگ خلیج فارس و تحولات آن می‌پردازد.

این مقاله به بررسی جنگ خلیج فارس و تحولات آن می‌پردازد.

این مقاله به بررسی جنگ خلیج فارس و تحولات آن می‌پردازد.

این مقاله به بررسی جنگ خلیج فارس و تحولات آن می‌پردازد.

این مقاله به بررسی جنگ خلیج فارس و تحولات آن می‌پردازد.

این مقاله به بررسی جنگ خلیج فارس و تحولات آن می‌پردازد.

این مقاله به بررسی جنگ خلیج فارس و تحولات آن می‌پردازد.

این مقاله به بررسی جنگ خلیج فارس و تحولات آن می‌پردازد.

این مقاله به بررسی جنگ خلیج فارس و تحولات آن می‌پردازد.

این مقاله به بررسی جنگ خلیج فارس و تحولات آن می‌پردازد.

این مقاله به بررسی جنگ خلیج فارس و تحولات آن می‌پردازد.

این مقاله به بررسی جنگ خلیج فارس و تحولات آن می‌پردازد.

این مقاله به بررسی جنگ خلیج فارس و تحولات آن می‌پردازد.

این مقاله به بررسی جنگ خلیج فارس و تحولات آن می‌پردازد.

این مقاله به بررسی جنگ خلیج فارس و تحولات آن می‌پردازد.

این مقاله به بررسی جنگ خلیج فارس و تحولات آن می‌پردازد.

این مقاله به بررسی جنگ خلیج فارس و تحولات آن می‌پردازد.

این مقاله به بررسی جنگ خلیج فارس و تحولات آن می‌پردازد.

این مقاله به بررسی جنگ خلیج فارس و تحولات آن می‌پردازد.

این مقاله به بررسی جنگ خلیج فارس و تحولات آن می‌پردازد.

این مقاله به بررسی جنگ خلیج فارس و تحولات آن می‌پردازد.

این مقاله به بررسی جنگ خلیج فارس و تحولات آن می‌پردازد.

این مقاله به بررسی جنگ خلیج فارس و تحولات آن می‌پردازد.

این مقاله به بررسی جنگ خلیج فارس و تحولات آن می‌پردازد.

این مقاله به بررسی جنگ خلیج فارس و تحولات آن می‌پردازد.

این مقاله به بررسی جنگ خلیج فارس و تحولات آن می‌پردازد.

این مقاله به بررسی جنگ خلیج فارس و تحولات آن می‌پردازد.

این مقاله به بررسی جنگ خلیج فارس و تحولات آن می‌پردازد.

این مقاله به بررسی جنگ خلیج فارس و تحولات آن می‌پردازد.

این مقاله به بررسی جنگ خلیج فارس و تحولات آن می‌پردازد.

این مقاله به بررسی جنگ خلیج فارس و تحولات آن می‌پردازد.

این مقاله به بررسی جنگ خلیج فارس و تحولات آن می‌پردازد.

این مقاله به بررسی جنگ خلیج فارس و تحولات آن می‌پردازد.

این مقاله به بررسی جنگ خلیج فارس و تحولات آن می‌پردازد.

این مقاله به بررسی جنگ خلیج فارس و تحولات آن می‌پردازد.

این مقاله به بررسی جنگ خلیج فارس و تحولات آن می‌پردازد.

این مقاله به بررسی جنگ خلیج فارس و تحولات آن می‌پردازد.

این مقاله به بررسی جنگ خلیج فارس و تحولات آن می‌پردازد.

این مقاله به بررسی جنگ خلیج فارس و تحولات آن می‌پردازد.

این مقاله به بررسی جنگ خلیج فارس و تحولات آن می‌پردازد.

این مقاله به بررسی جنگ خلیج فارس و تحولات آن می‌پردازد.

این مقاله به بررسی جنگ خلیج فارس و تحولات آن می‌پردازد.

این مقاله به بررسی جنگ خلیج فارس و تحولات آن می‌پردازد.

این مقاله به بررسی جنگ خلیج فارس و تحولات آن می‌پردازد.

این مقاله به بررسی جنگ خلیج فارس و تحولات آن می‌پردازد.

این مقاله به بررسی جنگ خلیج فارس و تحولات آن می‌پردازد.

این مقاله به بررسی جنگ خلیج فارس و تحولات آن می‌پردازد.

این مقاله به بررسی جنگ خلیج فارس و تحولات آن می‌پردازد.

این مقاله به بررسی جنگ خلیج فارس و تحولات آن می‌پردازد.

این مقاله به بررسی جنگ خلیج فارس و تحولات آن می‌پردازد.

این مقاله به بررسی جنگ خلیج فارس و تحولات آن می‌پردازد.

این مقاله به بررسی جنگ خلیج فارس و تحولات آن می‌پردازد.

این مقاله به بررسی جنگ خلیج فارس و تحولات آن می‌پردازد.

این مقاله به بررسی جنگ خلیج فارس و تحولات آن می‌پردازد.

این مقاله به بررسی جنگ خلیج فارس و تحولات آن می‌پردازد.

این مقاله به بررسی جنگ خلیج فارس و تحولات آن می‌پردازد.

این مقاله به بررسی جنگ خلیج فارس و تحولات آن می‌پردازد.

این مقاله به بررسی جنگ خلیج فارس و تحولات آن می‌پردازد.

این مقاله به بررسی جنگ خلیج فارس و تحولات آن می‌پردازد.

این مقاله به بررسی جنگ خلیج فارس و تحولات آن می‌پردازد.

این مقاله به بررسی جنگ خلیج فارس و تحولات آن می‌پردازد.

این مقاله به بررسی جنگ خلیج فارس و تحولات آن می‌پردازد.

این مقاله به بررسی جنگ خلیج فارس و تحولات آن می‌پردازد.

این مقاله به بررسی جنگ خلیج فارس و تحولات آن می‌پردازد.

این مقاله به بررسی جنگ خلیج فارس و تحولات آن می‌پردازد.

این مقاله به بررسی جنگ خلیج فارس و تحولات آن می‌پردازد.

این مقاله به بررسی جنگ خلیج فارس و تحولات آن می‌پردازد.

این مقاله به بررسی جنگ خلیج فارس و تحولات آن می‌پردازد.

این مقاله به بررسی جنگ خلیج فارس و تحولات آن می‌پردازد.

این مقاله به بررسی جنگ خلیج فارس و تحولات آن می‌پردازد.

این مقاله به بررسی جنگ خلیج فارس و تحولات آن می‌پردازد.

این مقاله به بررسی جنگ خلیج فارس و تحولات آن می‌پردازد.

این مقاله به بررسی جنگ خلیج فارس و تحولات آن می‌پردازد.

این مقاله به بررسی جنگ خلیج فارس و تحولات آن می‌پردازد.

این مقاله به بررسی جنگ خلیج فارس و تحولات آن می‌پردازد.

این مقاله به بررسی جنگ خلیج فارس و تحولات آن می‌پردازد.

این مقاله به بررسی جنگ خلیج فارس و تحولات آن می‌پردازد.

این مقاله به بررسی جنگ خلیج فارس و تحولات آن می‌پردازد.

این مقاله به بررسی جنگ خلیج فارس و تحولات آن می‌پردازد.

این مقاله به بررسی جنگ خلیج فارس و تحولات آن می‌پردازد.

این مقاله به بررسی جنگ خلیج فارس و تحولات آن می‌پردازد.

این مقاله به بررسی جنگ خلیج فارس و تحولات آن می‌پردازد.

این مقاله به بررسی جنگ خلیج فارس و تحولات آن می‌پردازد.

این مقاله به بررسی جنگ خلیج فارس و تحولات آن می‌پردازد.

این مقاله به بررسی جنگ خلیج فارس و تحولات آن می‌پردازد.

این مقاله به بررسی جنگ خلیج فارس و تحولات آن می‌پردازد.

این مقاله به بررسی جنگ خلیج فارس و تحولات آن می‌پردازد.

این مقاله به بررسی جنگ خلیج فارس و تحولات آن می‌پردازد.

این مقاله به بررسی جنگ خلیج فارس و تحولات آن می‌پردازد.

این مقاله به بررسی جنگ خلیج فارس و تحولات آن می‌پردازد.

این مقاله به بررسی جنگ خلیج فارس و تحولات آن می‌پردازد.

این مقاله به بررسی جنگ خلیج فارس و تحولات آن می‌پردازد.

این مقاله به بررسی جنگ خلیج فارس و تحولات آن می‌پردازد.

این مقاله به بررسی جنگ خلیج فارس و تحولات آن می‌پردازد.

این مقاله به بررسی جنگ خلیج فارس و تحولات آن می‌پردازد.

این مقاله به بررسی جنگ خلیج فارس و تحولات آن می‌پردازد.

مسئله فدرالیسم

ماشاالله رزمی

که فدرالیسم را از تحلیل اقتصادی - اجتماعی جوامع بشری استنتاج کرده است. پروودون که خود در جنگهای داخلی آمریکا شرکت کرده و عملکرد دولت فدرال شمال آمریکا را از نزدیک دیده بود و نیز بادرک جدیدی که از مالکیت ابزار تولید و اجتماعی شدن تولید ارائه می داد بزرگترین فدرالیست زمان خود و برجسته ترین نظریه پرداز ساختمان فدرالیستی قدرت است.

برای شناخت فدرالیسم پروودونی باید به درک پروودونی تاریخ اشاره کرد، پروودون فکر می کرد که انقلابات در تاریخ تناوبی هستند و هر انقلابی یک پیشرفت در تاریخ به شمار می رود لذا پروودون بادی انقلابی مدل فدرالیسم را برای ساختمان جامعه بشری پیشنهاد می کرد.

فدرالیست های بزرگ قرن نوزدهم مانند پروودون، فرونتس و کاتانتو پیش بینی می کردند که به زودی دوران دولت های ملی به پایان خواهد رسید و دولت فدرال جهانی که روپای مناسب تولید انبوه و جهانی است جانشین دولت های ملی متخاصم خواهد شد و بر اساس چنین درکی از فدرالیسم بود که فدرالیست های اوایل قرن بیستم فکر می کردند با آغاز جنگ جهانی اول لحظه تاریخی پایان کار دولت های ملی فرار سیده است.

در آغاز جنگ جهانی اول تروتسکی در جزوه "جنگ و انترناسیونال" نوشت:

"هسته مرکزی جنگ فعلی، ضربه ای است که نیروهای مولده در نظام سرمایه داری به دولت ملی وارد می کنند یعنی به دولتی که استثمار را ممکن می سازد، دولت های ملی غیر قابل تحمل شده اند و به سان ترمز در مقابل رشد نیروهای مولده عمل می کنند. جنگ ۱۹۱۴ قبل از همه بیانگر فروزیری دولت های ملی و همزمان با آن پایان یافتن فضای خودمختاری اقتصادی است..."

به نظر تروتسکی اساس بحران دولت های واحد ملی در سیستم اروپایی ساختمان قدرت نهفته است این نوع سازماندهی قدرت مانع رشد نیروهای مولده در سطح وسیع است و به همین جهت آلمان برای پیدا کردن "فضای حیاتی" جنگ را شروع کرده است. راه پایان دادن به بحران دولت های ملی در اروپا که در ضمن بحران های سیاسی - اقتصادی و اجتماعی نیز هستند تغییر، شکل ساختمان قدرت و سازماندهی قدرت نوین در مقیاس تازه ای است. بدین جهت پرولتاریا نباید از دولت های ملی متجاوز حمایت بکند بلکه باید بلوک قدرتمند و یک پارچه ای از جمهوریخواهان متحد اروپایی برای تاسیس دولت متحد جهانی بوجود آورد.

شایان ذکر است که در اساس تئوری فدرالیسم رد ضرورت و علت وجودی دولت ملی نهفته است که از طریق ایجاد دولت جهانی متحقق میگردد. به همین جهت سوسیالیست ها نوهی انترناسیونالیسم را از آن برداشت میکنند و لیبرال ها نوهی کوسموپولیتیزم را از فدرالیسم استنباط می کنند. این استنباطها در زمان خود واقعی بودند و حتی باید توجه داشته باشیم که در بحران جهانی سال های ۱۹۲۹ به طور یقین گفته می شد که سرمایه داری نمی تواند در یک کشور واحد به حیات خود ادامه بدهد و سوسیالیسم هم اگر می خواهد موفق بشود باید هر چه بیشتر رشد نیروهای مولده را تسریع نماید.

همه فدرالیست های نامدار دولت فدرال را در مقابل دولت ملی یک پارچه عنوان کرده اند و کم و بیش جنگ های منطقه ای و جهانی را نیز ناشی از ساختار دولت های ملی می دانستند. به زبان دیگر دولت فدرال نفی کننده دولت ملی است. می توان گفت که فدرالیسم زمانی راه حلی بود برای مسائل منطقه ای و جهانی و نه البته برای حل مسائل ملی و قومی داخلی یک کشور واحد، به همین جهت فدرالیسم معاصر اغلب توسط طرفداران وحدت اروپا رواج پیدا کرده است.

البته بحث فدرالیسم در دوران انقلاب کبیر فرانسه نیز بین ژیروندین ها و ژاکوبین ها وجود داشت ولی ژاکوبین ها با این استدلال که سوسیالیسم و اتریشی ها با فدرالیسم خویشخت نشده اند از تبدیل شدن فرانسه به یک فدراسیون جلوگیری کردند. اگر مورد آمریکا را استثنا نکنیم تا مدت های مدید فدرالیسم فقط یک آرمان بود و تنها در ذهن فدرالیست ها وجود داشت و دولت های فدرال قدیمی (متعلق به قرن نوزدهم و هیجدهم) موفقیت خاصی نداشتند تا اینکه در اثنا جنگ جهانی جنبش های ضدفاشیستی باهمدیگر رابطه کمک و همکاری برقرار کردند و به این ترتیب جنبش های فدرالیست در آلمان، ایتالیا و فرانسه متولد شدند و از این تاریخ به

امروزه نه تنها برای ما ایرانی ها بلکه در سطح بین المللی نیز برای کسی تعریف فدرالیسم آسان نیست. با وجود رشد علوم سیاسی تاکنون نه لیبرالیسم، نه دموکراتیزم، نه سوسیالیسم و نه هیچ جنبش سیاسی دیگر نتوانسته اند تعریف جامعی از فدرالیسم ارائه بدهند. اصولا فدرالیسم را نباید به هیچ یک از مکتب های شناخته شده منسوب کرد، واقعیت های موجود بیانگر آنند که فدرالیسم فقط تیپ خاصی از دولت نیست و اگر همه جانبه تر بنگریم در می یابیم که فدرالیسم نوهی طرز تفکر اجتماعی با معیار ارزشی خاص خویش است و دارای چارچوبه و تاریخ مخصوص به خود می باشد.

ارزشی که از ابتدا برای فدرالیسم قائل شده اند همانا صلح است. جمهوری دولت ها (جمهوری فدرال) صلح و دموکراسی را تا سطح حقوق شهروندان و جامعه ارتقا می دهد و برای شهروندان حق شرکت در تمام تصمیم گیری هایی را که مستقیما مورد توجه شان است قائل می شود و آنها را مختار می کند به اینکه در چه سرزمینی می خواهند با هم زندگی کنند.

ایده فدرالیستی تقسیم قدرت، اصل ایده صلح را منحرف و تضعیف می کند زیرا صلح در فدرالیسم چیزی جز متارکه و صلح مسلح نیست در حالیکه تجربیات تاریخی نشان می دهد که تمام جوامع بشری قادر به تشخیص و انتخاب صلح واقعی هستند.

در اینجا اگر بخواهیم دولت فدرال را صلح طلبی اش تعریف کنیم، یعنی تئوری دولت را فقط به این جنبه اش محدود بکنیم در عمل مانع درک مناسب این تیپ دولت می شویم. فعلا ما چیز اندکی در مورد دولت فدرال و مکانیزم آن می دانیم و تقریبا چیز زیادی در مورد جامعه ای که این دولت در آن مستقر می شود و می تواند بسیار مقاوم و تغییر شکل ناپذیر باشد نمی دانیم. در واقع کافی نیست با ساده کردن مسئله و آسان گرفتن آن، خود را از قید مسائل و مشکلات جامعه فدرال خلاص بکنیم. مضاف بر اینکه حوزه اظهار نظر دقیق و کافی درباره فدرالیسم نامحدود است و بسیار مشکل است شناخت کاملاً روشنی از دولت فدرال داشته باشیم.

برای شناختن این نوع سازماندهی قدرت و درکی که فدرالیست ها از دولت دارند و تفاوت تاریخی که این واژه با خود حمل می کند ضروری است که تئوری تاریخ فدرالیسم جز به جز بررسی شوند.

فدرالیسم به عنوان دولت و حکومت چگونه در تاریخ بوجود آمده است؟

برای اولین بار بر اساس یک اتفاق ساده تاریخی که منجر به تشکیل اولین دولت فدرال تاریخ در شمال آمریکا گردید (اتحاد سیزده مستعمره انگلیس در آمریکای شمالی بر اساس قرارداد فیلادلفیا)، کانت (۱۸۵۴ - ۱۷۲۴) به تجزیه و تحلیل این تجربه تاریخی پرداخت. کانت به این امر فکر می کرد که فدرالیسم در تحلیل نهایی در خدمت چه چیزی قرار خواهد گرفت و بعد از کنکاش و بررسی مسائل مختلف به این نتیجه رسید که فدرالیسم به ساختمان صلح خدمت خواهد کرد. از نظر کانت صلح حاصل از فدرالیسم نوهی ترک مخاصمه و نتیجتاً صلح مسلح است و همواره باید برای هر تهاجمی آماده بود. نباید فراموش کرد که کانت از مکانیسم حکومت فدرال اطلاعی نداشت بدین جهت در سال ۱۷۹۵ وقتی کتاب "به سوی صلح جاودانی" توسط کوبنسبرگ انتشار یافت، دوران سیاست کانتی فدرالیسم به پایان رسید. بدین ترتیب گرچه تئوری فدرالیسم از جمع بست تجربه اتحاد داوطلبانه سیزده مستعمره کوچک در شمال آمریکا بوجود آمده اما مدل فدرالیسم اتازونی (اتازونی در زبان فرانسه به معنی دولت های متحد است و نه ایالات متحده که در زبان فارسی متداول کرده اند) مدل خوبی نیست زیرا این دولت فدرال در واقع در حاشیه تاریخ متولد شده است و برای تشکیل آن موانع تاریخی، سیاسی و روانشناختی جدی وجود نداشته است. نه میراث های تاریخی هویت مستقلی به یکایک آن دولت های کوچک می بخشید و نه خصومت های تاریخی مانع یگانگی آنها می شد و فرهنگ و سنت های ریشه دار نیز وجود نداشت تا مشکل معنوی ایجاد کند به همین جهت می بینیم که این دولت زبان رسمی برای خود انتخاب نمی کند و پست و وزارت فرهنگ نیز در آن وجود ندارد.

بعد از کانت نظریه پردازان مختلفی به تئوریزه کردن فدرالیسم ادامه دادند اما هیچیک از آنها به اندازه پروودون (۱۸۶۵ - ۱۸۵۹) از سوسیالیست های معروف قرن نوزدهم شهرت و اعتبار پیدا نکرده اند. وی اولین کسی است

بعد ایده "فدرالیسم اروپایی" و اروپای متحد توسط نهضت های فدرالیست تقویت شد و گام های عملی چندی در این راه برداشته شد. بعد از پیدایش دولت های فدرال جدید زمان کافی مورد نیاز بود تا نتیجه عملکرد همه جانبه این نوع ساختمان قدرت معلوم گردد و اکنون مدتی است که نقطه قوت و ضعف این دولت ها شناخته شده اند و در این رابطه با توجه به مشکلات حقوقی و اجرایی در دولت های فدرال تزه های جدیدی درباره "فدرالیسم" و "فدرالیسم تری یالیست" ارائه می گردد. تئوری های جدید نیز نتوانسته اند مشکلات دولت های فدرال را حل کنند به عنوان مثال از دولت کانادا به مثابه مدرنترین دولت فدرال و موفق ترین آنها در تمام عرصه ها نام برده می شود. اما فدرالیسم کانادایی نیز نتوانسته است مسئله ایالت فرانسوی نشین کبک و مشکلات سایر اقلیت ای قومی را حل بکند.

پیدایش نهادهای بین المللی و قدرت های ماورا دولت ها تقریباً کلیه ایده های رایج فدرالیسم اولیه در نظر داشت به اشکال جدید متحقق کرده است. فعالیت سازمان ملل متحد با ارگان های تابعه اش که مانند یک دولت جهانی عمل میکند، حضور سیاسی پارلمان اروپا در تحولات جهانی، همکاری ارگانیک کشورهای بزرگ صنعتی، بلوک بندیهای سیاسی و همکاریهای بزرگ بین المللی و منطقه ای همه و همه نشان میدهند که وحدت بین الملل و استقرار صلح در جهان نه از طریق فدرالیسم بلکه در مقیاسی قراتر از آن و از بالای سر آن به اشکال پیچیده و نوین در حال عملی شدن است. جهانی شدن تولید کالا و انقلاب علمی و صنعتی و نیز از بین رفتن فاصله ها به خاطر رشد وسایل ارتباطی، تئوری فدرالیسم را به مانند اغلب تئوری های قرن نوزدهم بی اعتبار می سازد و امروز می بینیم که در سیستم های فدرال صحبت از بحران فدرالیسم است. استکان ریال در کتاب "سر نوشت فدرالیسم" آورده فدرالیسم را این چنین مورد سؤال قرار می دهد:

"حتی اگر موانع روانشناختی و سیاسی را در نظر بگیریم - آیا می توانیم تصور بکنیم که اگر فدرالیسم چهار چوبه خود را بشکند و بسوی کنفدرالیسم پیش نرود، از خود این تمایل را نشان می دهد که دیر یا زود از محتوی تهی خواهد شد؟"

او جواب میدهد "آری" و برای ساختن هر مدلی از فدرالیسم مشکلات متعددی وجود دارد که بر احتی حل نمی شود از جمله مشکلات عبارتند از: خود سازماندهی آزاد، تعیین استعداد های اقتصادی و تجدید تقسیم آنها، تکرر مشترک در پذیرش حقوق فدرال که حقوق دولت های عضو فدراسیون را می شکند، تجدید نظر در مکانیسم تضمین خودمختاری دولت های عضو، فکر کردن درباره نظم جدید کمپلکس فدرال، پذیرفتن اشتراک در تمام مقیاس ها، تجدید تقسیم قدرت ملی، تضمین کاراکتر خالص پیمان تعاون و مسائل حقوقی مشابه که برای ساختار قدرت به صورت فدرال ضروری هستند.

خرده کاری و بوروکراتیسمی که دولت فدرال آلمان با آن مواجه است با سیاست گزاری نوین در تضاد می باشد. اولین مشکل در جامعه فدرال تضادی است که بین دولت فدرال و دولت های عضو فدراسیون وجود دارد، دولت های عضو تمایل به حفظ استقلال و خودمختاری دارند ولی دولت فدرال مجبور است در مناسبات جهانی از طرف تمام اعضا تصمیم بگیرد. به این ترتیب دولت فدرال به ناچار در حمل حقوق دولت های عضو رازیری می گذارد و در عوض این دولت ها به استناد قوانین خودشان تصمیمات دولت فدرال را خنثی می کنند. برای کاهش این ناهماهنگی ها و برای اینکه حدود اختیارات سوپر قدرت با هر یک از قدرتها مشخص گردد قوانین بشماره ضروری است. و تناقض در این قوانین اختیاب ناپذیر است. مطلقاً چون هیچ دولتی آن هم از نوع فدرال نمی تواند بدون قانون عمل بکند ناچاراً باید قوانین را در عرصه های مختلف تفکیک نماید از این رو در دولت های فدرال پیشرفته سه نوع قانون اساسی تدوین و اجرا می شود. اول یک قانون اساسی که حقوق پایه ای را مشخص میکند و الزاماً باید مجرد و عام باشد.

دوم قانون اساسی توافق شده و قابل اجرا در سراسر

فدراسیون و سوم قانون اساسی هر یک از دولت های عضو که متناسب با تاریخ و فرهنگ و مقتضیات اهریک از آنها تنظیم می شود. این نوع فدرالیسم با فدرالیسم سه قانونی آخرین راه حل برای کاستن از تناقضات حقوقی جوامع فدرال بوجود آمده است. اکنون جامعه شناس ها، حقوق دانها و سیاستمداران که برداشت هر کدامشان از جامعه فدرال متفاوت است برای راه یابی خروج از بن بست هایی که سیستم های فدرال بوجود آورده اند تلاش می کنند، مشکلاتی که ظاهراً در چهار چوب فدرال قابل حل نیستند.

مثلاً مشکل دفاع یکی از این بن بست ها است. دولت فدرال باید خدمت نظام و وظیفه اجباری را القو کند و معادله هر شهروند یک سرباز است را کنار بگذارد. آنگاه چگونه از خود دفاع خواهد کرد در صورتیکه سایر قدرت ها با تمام تجهیزات نظامی شان چشم به ثروت و موقعیت آن دوخته اند؟ حق قانونگذاری دولت های عضو نیز مشکل دیگر جوامع فدرال است هر یک از این دولت ها می تواند قانون تصویب کند و از فدراسیون جدا بشود در این موقع اگر موقعیت ژئوپلیتیکی و منابع طبیعی آن مهم باشد نظم فدراسیون را به هم می زنند و منافع سایر دولت ها را پایمال می کند و مشکلاتی ایجاد می کند که با آرمان فدرالیسم در تقابل قرار دارد.

فدرالیست ها برای حل مسائلی از این نوع توصیه های خوب با مثال های بد ارائه می دهند. مخصوصاً باید توجه داشت که در ساختمان فدرالیسم مدل کارایی ندارد، هر جامعه فدرال باید با ویژه گیهای خاص خود شکل بگیرد، اگر به مقایسه متوسل بشویم با چشم گذشته به حال نگاه کرده ایم آنگاه نتیجه نه تنها مجرد بلکه کاملاً دلخواه خواهد بود. تجربیات سوئیس، آلمان و اسپانیا نشان میدهند که فدرالیسم آنچه را که در تئوری قبول ندارد در عمل مجبور به انجام آن است. نتایج این نفی تئوری در عمل بلافاصله در عرصه های فرهنگی میان می شود و مشکل بوجود می آورد که انرژی زیادی برای توجیه آن باید صرف شود بدون تردید قبل از ایجاد دولت فدرال در هر جامعه مشخص باید فرهنگ فدرالی در آن جامعه وجود داشته باشد. پیردوکلو در کتاب "فدرالیست بودن" این موضوع را کاملاً توضیح می دهد تا آنجا که به نظر دوکلو که خود فدرالیست فعالی است، فرهنگ فدرالی مقدم بر تمام ویژه گیهایی است که هر دولت فدرال باید داشته باشد. نکته دیگری که قابل تأکید است رابطه تمرکز و توسعه در دوران ما است. در قرون گذشته عدم تمرکز قدرت دولتی اختیاب ناپذیر بوده است زیرا امکان لازم برای ایجاد تمرکز که پیش شرط پیشرفت هر جامعه توسعه نیافته است وجود نداشته است. اخبار ولایات ماه ها طول می کشید تا به مرکز برسد و بالعکس. اما در دوران ما با ارتباطات ماهواره ای با وسایل نقلیه مافوق صوت و با وجود آمدن زبان های بین المللی امکان تمرکز و در نتیجه پیشرفت فراهم شده است. بدون تمرکز، ترقی در مقیاس وسیع امکان پذیر نیست و اگر خوب دقت بکنیم می بینیم که فدرالیسم در ابتدا تلاشی بوده است برای ایجاد تمرکز از قدرت های پراکنده وضعی و نه برعکس آن، که امروز بعضی ها از فدرالیسم می خواهند. ارزش هائیکه برای فدرالیسم در نظر گرفته می شود از قبیل صلح، یگانگی و همزیستی همگی مجرد و ایده آل فرض می شوند. هر گاه بخواهیم از فدرالیسم مجرد به عرصه خوب دقت مشخص بکنیم و دولت های فدرال موجود را بررسی کنیم آنگاه متوجه محتوای سیاسی و عقیدتی هر یک از این اقلیت های فدرال می شویم و می بینیم که به اندازه تعداد دولت های فدرال موجود در جهان، انواع فدرالیسم وجود دارد.

فدرالیسم در یوگسلاوی با فدرالیسم در اسپانیا و آمریکا فقط نام مشترک دارند با محتوای کاملاً متفاوت و حتی گاهی متضاد. مثلاً رابطه حکومت مرکزی با هر یک از دولت های فدرال در اسپانیا کاملاً متفاوت و خاص است. شناخت ویژه گیها و تفاوت های هر یک از این نظام ها یک امر کارشناسی و در عین حال سیاسی است. مطالعه ویژه گی های آنها و انواع فدرالیسم و پارادوکسی که در فدرالیسم وجود دارد و هر فدرالیستی را دچار دوگانگی می کند برای ما ضروری است.

مردم مصر و سیاست های مبارک

در رابطه با جنگ خلیج

در بیانیه مشترکی که همه گروه های اپوزیسیون امضا کرده اند آمده است: "ما خواهان پایان سریع جنگ و تلاش برای یافتن یک راه حل صلح آمیز برای بحران خلیج و مسئله فلسطین هستیم."

سربازان مصری از هرستان هستند اما حزب سوسیالیست "تجمع" این خواست را ندارد و بیانیه دولت مبنی بر اینکه سربازان مصری تنها از هرستان دفاع خواهند کرد را کافی می داند.

است که خود را ساورد عمل شود. به رغم اختلاف نظر در میان نیروهای اپوزیسیون بر سر نقش نیروهای مصری در جنگ همه آنها مخالفت خود را با تهاجم به عراق ابراز داشته و در صددند که با اتحادیه عرب به راه دستیابی به صلح و آتش بس همکاری کنند. "اتحاد اسلامی" و "ناصریست ها" خواهان بازگشت

بقیه از صفحه ۱۰

یوگسلاوی در آستانه فروپاشی؟

بخشی از یوگسلاوی از این کشور باشد زیرا در همه مناطق یوگسلاوی ملت های مختلف زندگی می کنند که همه باید از حق تعیین سرنوشت برخوردار باشند.

درحالی که در جمهوری های شرقی یوگسلاوی مانند صربستان و مونتهگرو احزاب سوسیالیست حکومت می کنند، جمهوری های غربی، یعنی اسلوونی و کراسی، تحت حکومت نیروهای سیاسی ناسیونالیست و راستگرا قرار دارند. در صربستان تاجیل به حفظ دولت کثیر الملّه یوگسلاوی بیش از سایر جمهوری هاست

کرواسی است که می خواهند "یوگسلاوی را نابود کنند"

صربستان اعلام کرده است که رهبران جمهوری های این اختیار را ندارند که درباره تجزیه یوگسلاوی تصمیم بگیرند بوریساو یوویچ رئیس جمهور یوگسلاوی طی سخنانی در اجلاس سران جمهوری ها گفت حتی رهبران سیاسی انتخاب شده از طریق دموکراتیک نمی توانند در باره موضوعی که صرفا باید با رای مردم روشن شود، تصمیم بگیرند. وی افزود حتی یک همه پرسی نیز نمی تواند مبنای جدایی

اجلاس رهبران جمهوری های یوگسلاوی برای حل و فصل اختلافات این جمهوری ها هفته گذشته بدون رسیدن به نتیجه به پایان رسید. دولت صربستان، بزرگترین جمهوری یوگسلاوی، بدنبال این اجلاس نافرجام خواهان استعفای دولت مرکزی یوگسلاوی شد و این استعفای آنها راه نجات یوگسلاوی دانست. روزنامه "پولیتیکا اکسپرس" که طرفدار سلو بودان میلوسویچ رئیس جمهور صربستان است، نوشت آنته مارکویچ نخست وزیر یوگسلاوی متحد جمهوری های اسلوونی و

مذاکرات شورای امنیت در پشت درهای بسته

برداشت کردم، فرستاده شوروی به بغداد نشانه هایی از انعطاف در موضع رژیم عراق دیده است. اشاره وزیر خارجه کویت به سفر یوگنی پریماکف فرستاده شوروی به عراق بود، وزیر خارجه کویت گفت از مذاکرات بارهبران شوروی دریافته است که مسکو کماکان بطور کامل پشتیبان قطعنامه های شورای امنیت است که در آن بر ضرورت عقب نشینی عراق از کویت تاکید شده است. در عین حال یوگنی پریماکف در پاسخ به سؤال یک خبرنگار که از او پرسید آیا عراق حاضر به عقب نشینی بی قید و شرط از کویت هست یا نه، گفت: صدام حسین را در برابر انتخاب میان تسلیم بی قید و شرط یا جنگ قرار ندهید. من ۲۲ سال است که او را می شناسم و می دانم که او در این صورت جنگ را انتخاب خواهد کرد.

نشست شورای امنیت چهارشنبه گذشته آغاز شد، در هنگام تنظیم این خبر ادامه داشت. انتظار می رود این شورا به بررسی موضوعی جدید عراق و نیز نتایج گفتگوهای طارق عزیز وزیر خارجه عراق در مسکو که روز یکشنبه ۲۸ بهمن آغاز می شود، بپردازد. هم اکنون مسکو مرکز فعالیت های دیپلماتیک برای پایان دادن به جنگ خلیج فارس است. هفته گذشته رولان دوما وزیر خارجه فرانسه، شیخ صباح الاحمد جابر الصباح وزیر خارجه کویت و ولایتی وزیر خارجه جمهوری اسلامی به مسکو رفته با میخائیل گارباچف و بسمرتنیخ وزیر خارجه شوروی مذاکره کردند. وزیر خارجه کویت پس از ملاقات با گارباچف گفت: تا جایی که من از گفته های رهبری شوروی

برای چهارمین بار در تاریخ شورای امنیت، این نهاد سازمان ملل هفته گذشته در ارتباط با جنگ خلیج فارس اجلاس غیر علنی تشکیل داد. غیر علنی بودن این اجلاس به ویژه تحت فشار آمریکا و متحدانش است که نگران اظهارات نمایندگان کشورهای عضو شورا در انتقاد از سیاست جنگی ایالات متحده اند.

شورای امنیت با ۹ رای موافق، دو رای مخالف و ۴ رای ممتنع تصمیم گرفت اجلاس غیر علنی برگزار کند. یمن و کوبا به این تصمیم رای مخالف دادند. چین، هند، اکوادور و زیمبابوه ممتنع بودند. اجلاس غیر علنی شورای امنیت بدین معناست که این نشست بدون حضور خبرنگاران و ناظران برگزار می شود و بعدا صورت جلسه آن کتبا انتشار می یابد.

اعتصابات کارگری در لهستان

لهستان شدند. لخ والسا رئیس جمهور لهستان ناچار به ملاقات با یک هیات نمایندگی کارگران شد که یک نامه به او دادند. دولت لهستان در صدد خصوصی کردن معادن ذغال سنگ لهستان است. در این صورت هزاران کارگری بیکار خواهند شد.

سازمان عضو اتحادیه "همبستگی" نیز به این اعتصاب پیوسته اند اما رهبری اتحادیه همبستگی با این اعتصاب مخالفت کرده است. در روز پنجشنبه ۱۴ فوریه، حدود هزار کارگر معدن وارد محوطه کاخ ریاست جمهوری

جنگ خلیج فارس و رویاهای رهبران ترکیه

می کند. اوزال سپس به لاف و گزاف در باره آینده پرداخت و رویای احیای امپراطوری عثمانی را اینگونه بر زبان آورد: پس از جنگ، ترکیه نیرومندترین کشور در منطقه میان بالکان تا خلیج فارس خواهد بود. ما بتوانیم یک ابر قدرت با ارتشی مجهز و کارآمد - حتم علم خواهیم کرد. ترکیه به خاطر موضع اوزال در قبال جنگ خلیج فارس تاکنون ۵/۲ میلیارد کمک مالی از آمریکا دریافت کرده است و قرار است مبلغ مشابهی نیز تا پایان امسال به خزانه اش واریز شود. بر اساس یک قرار داد سری با آمریکا، ترکیه در کنار اسرائیل به محوری ترین و برترین قدرت امنیتی منطقه بدل خواهد شد. در آنکارا و شهرهای جنوب شرقی ترکیه شب ها آژیر ها به صدا در می آیند. صدها هزار نفر از مردم این شهرها از ترس حمله شیمیایی عراق در حال فرار به سوی قرب ترکیه هستند. شهرها و روستاهای کردنشین که دولت ترکیه سالها کوشید تا فشار و سرکوب آنها را پاکسازی کرده و اهالی آنها را به جای دیگر کوچ دهد، اینک از سکنه تقریبا خالی شده اند. اما ایجاد یک دولت مستقل کرد نشین در شمال عراق در دوران پس از جنگ کماکان ذهن رهبران ترکیه را می آزارد. آمریکایی ها نیز در این نگرانی شریک اند و قول داده اند که با تمام توان جلوی چنین روندی را بگیرند. در این میان یک گروه ۴۲۰۰۰ نفری به میچوجه اجازه خروج از شرق ترکیه را ندارند. اینها کردهائی هستند که سال ۱۹۸۸ در پی حمله شیمیایی نیروهای عراق به اهالی کرد ساکن شمال این کشور، به ترکیه گریخته اند. از آغاز حمله آمریکا و متحدینش به عراق، این کردها در اردوگاههای خود محبوس شده و نظر دارند. جهان گوئی که این قربانیان دو دولت را از یاد برده است.

خاک ترکیه اشاره چندانی نکرد. و فقط گفت: "هواپیماهای آمریکایی برای تمرینات همدی روزانه پرواز می کنند، ولی از اینکه آنها عراق را هم بمباران میکنند، من بی خبرم". به نظر اوزال حمله متقابل عراق تقریبا منتفی است زیرا به گفته خودش تصمیمات وی مثل همیشه اندیشیده و سنجیده اند و اگر حمله ای هم صورت گیرد، ناتو به دفاع محض خود (ترکیه) خواهد آمد. اوزال در باره ناتو گفت: "اتحاد ما (پیمان ناتو) کمونیسم را نابود کرد و عراق که در قیاس بااروپای شرقی قدرتی بحساب نمی آید" اما اوزال ناگهان به خشم آمد: "مرا متهم می کنند که سیاست فردی و خود سرانه ای را دنبال می کنم. ولی واقعیت آن است که من موافق اعزام سربازان ترکیه به جنگ بودم، زیرا از یکسو ۴۰۰ سال بر این منطقه حکومت داشته ایم (اشاره اوزال به دوران امپراطوری عثمانی است) و از سوی دیگر سربازان ما امکان می یابند که با شرکت در جنگ خود را آزموده و تجربه کسب کنند. اینکه ۷۴٪ مردم ترکیه مخالف شرکت نیروهای این کشور در جنگ هستند، اینکه همه نیروهای اپوزیسیون به استفاده آمریکا از پایگاههای ترکیه رای منفی داده اند و اینکه بسیاری از رهبران ارتش نیز مخالف ماجراجویی ترکیه در جنگ خلیج فارس می باشند همه و همه واقعیتهایی هستند که اوزال ظاهرا به هنگام نطق تلویزیونی اش از یاد برده بود. مشکل آنجاست که دولتمداران ترکیه دموکراسی را بد می فهمند. آنها خیال می کنند، چون انتخاب شده اند هر کاری که خواستند، می توانند انجام دهند. بر بستر چنین درکی است که تورگوت اوزال تصمیمات خود سرانه و توسعه طلبانه خود را با اتکا به آرا اکثریت پارلمان حزب خود در مجلس ترکیه توجیه

رسماء عنوان می شود که ترکیه تنها در صورتی که مورد حمله عراق واقع شود، وارد جنگ خواهد شد. ولی در عمل ترکیه مستقیما در جنگ شرکت دارد، زیرا از پایگاه هوائی آمریکا در جنوب شرقی این کشور روزانه چندین هواپیمای جنگی به پرواز در می آیند تا نقاط استراتژیک شمال عراق را مورد بمباران قرار دهند، قرارداد اگر عراق مقابله به مثل کند، ناتو بی درنگ به نفع ترکیه وارد عمل شود.

انتشار خبر پرواز هواپیماهای مهاجم آمریکایی از پایگاه اینجریلیک در جنوب شرقی ترکیه، در میان مردم این کشور موجی از بیم و هراس برانگیخته است. آنها نگران حمله متقابل عراق هستند. یک سوم خاک ترکیه در تیررس موشکهای عراقی قرار دارد و اگر عراق مقابله به مثل کند، ناتو بی درنگ به نفع ترکیه وارد عمل شود.

انتشار خبر پرواز هواپیماهای مهاجم آمریکایی از پایگاه اینجریلیک در جنوب شرقی ترکیه، در میان مردم این کشور موجی از بیم و هراس برانگیخته است. آنها نگران حمله متقابل عراق هستند. یک سوم خاک ترکیه در تیررس موشکهای عراقی قرار دارد و اگر موشکهای عراقی به سوی ترکیه تشکیل شوند، بخش بزرگی از جمعیت ترکیه از خطر آن در امان نخواهند بود. از همین روماسکهای ضد گاز در بازار سیاه بهائی گزاف یافته اند و موجودی ماده آتروپین (یاد زهر گاز اعتصاب) در بسیاری از شهرها تمامیه فروش رفته است.

پس از انتشار خبر پرواز هواپیماهای آمریکایی از خاک ترکیه، تورگوت اوزال، رئیس جمهور این کشور، در جریان یک نطق تلویزیونی در صدد برآمد که مواضع ترکیه در قبال جنگ خلیج فارس را برای مردم توجیه کند. اما وی به جریان استفاده هواپیماهای مهاجم آمریکایی از

سد اسوان را بمباران کند. سد اسوان در مصر عیارگ حیاتی این کشور به شمار می رود و اگر آسیب ببیند، دره نیل را آب فرا گرفته و از مصر چیزی نخواهد ماند.

در این میان خبرگزاریهای غربی ادعا می کنند که عراق بیش از شروع جنگ چندین موشک اسکاد خود را به سودان منتقل کرده و آنها را به سوی سد اسوان و عربستان سعودی نشانه رفته است. دولت مصر در پاسخ به حرکات و تظاهرات ضد مصری در سودان و نیز در اعتراض به حمایت رژیم این کشور از عراق بخش سودانی دانشگاه قاهره را تعطیل کرده، دفتر هواپیمائی مصر در خارطوم را بسته و نمایشگاه کتاب مصر در سودان را به تعویق انداخته است. وزیر کشور مصر نیز اعلام کرده است که از آغاز جنگ خلیج ۵۰۰ سودانی از مصر اخراج شده اند.

مبارک به اتحاد با رهبران سوریه در جنگ خلیج نیز نمی تواند زیاد اعتماد و اتکا کند زیرا بخش عظیمی از مردم سوریه حامی عراق هستند و سیاستهای این کشور می تواند هر لحظه دستخوش تغییر شود.

در این میان اپوزیسیون مصر امید خود به ابتکار صلح از سوی مبارک را از دست داده و بر آن

◀ بقیه در صفحه ۹

میانگیرانه کشورهای عربی دیگر و یا جنبش غیر متعهدها اشاره ای بکنند. اما وی تنها گفت که پس از آزادی کویت، مصر با تمام نیرو برای صلح تلاش خواهد کرد. به گفته مبارک، بدون خروج عراق از کویت و بدون بازگشت خاندان آل صباه قدرت هیچ سخنی از آتش بس و صلح نمی تواند در میان باشد. بسیاری از مردم و محافل سیاسی مصر بر آنند که مواضع مبارک مصر را در جهان عرب منزوی خواهد کرد. هم اکنون الجزایر و تونس برای ورود اهالی مصر به خاک خود مقررات کسب روادید وضع کرده اند. ستایش رئیس جمهور یمن از پایداری عراق که مثل برخی از کشورهای پس از غرور جان زده است (اشاره وی به جنگ ۱۹۶۷ اعراب و اسرائیل است که سوریه و مصر پس از ۶ روز به آتش بس گردن نهادند) موجب سردی بیشتر روابط دیپلماتیک میان مصر و یمن شده است. فلسطینی ها نیز بارها در تظاهرات خود در اردن و مناطق اشغالی خشم و نفرت خود را از سیاستهای مبارک به نمایش گذاشته اند. روابط مصر با سودان نیز پس از تظاهرات ضد مصری هفته گذشته در خارطوم به نازترین سطح خود رسیده است. در این تظاهرات پرچم مصر و تصویر حسنی مبارک به آتش کشیده شد و از دولت تقاضا شد که

روز ۱۷ ژانویه شبکه های مختلف رادیو - تلویزیون مصر برنامه های خود را قطع کردند تا حسنی مبارک اهالی کشور را در مورد لزوم جنگ توجیه کند. او حرفهای خود را با بررسی روند بحران از ۲۱ اوت شروع کرد و ادعا نمود که اعزام نیروهای مصری به منطقه در چهارچوب قرار داد دفاعی میان کشورهای عرب بوده است. مبارک همچنین مدعی شد که مصر کماکان در کنار مردم عراق ایستاده است و عراق هم به اندازه کویت با ارزش است. به گمان مبارک ایجاد رابطه میان بحران، کویت و مسئله فلسطین از سوی صدام بی مورد است و این سیاست به شکست خواهد انجامید.

پس از بمباران های بغداد و بصره و... مردم مصر نسبت به سیاستها و حرفهای حسنی مبارک بیش از پیش بی اعتماد شده اند. نگرانی مردم مصر نسبت به بمباران شهرهای عراق تنها به همبستگی عربی آنها مربوط نمی شود، بلکه از این واقعیت نیز ناشی میشود که هم اکنون سه میلیون مصری در کشورهای خلیج فارس به کار و زندگی مشغولند و حتی ۲۰۰۰۰ نفر آنها در ارتش عراق خدمت می کنند. نگرانی نسبت به جان و سرنوشت این افراد نیز مردم مصر را نسبت به رویدادهای جنگ حساس و تاثیر پذیر کرده است.

حمله موشکی عراق به اسرائیل برای بسیاری از مصریها رویداد مهمی به شمار می آید. یک روزنامه نگار مصری به نام هازم در این باره می گوید: "اصابت موشکهای عراقی به تل آویو و حيفا در اسرائیل سبب خشنودی آشکار و پنهان بسیاری از مصریها شده است، زیرا تاکنون در همه جنگهای خاور میانه بمب ها فقط در شهرها و روستاهای عربی فرود آمده اند، گوئی که سرنوشت منطقه را فقط اسرائیلی ها رقم می زنند. حالا برای اولین بار مصریها احساس می کنند که اسرائیل نیز آسیب پذیر است.

برای جلوگیری از تظاهرات دانشجویی بر ضد جنگ خلیج و سیاستهای مبارک، وزارت آموزش های مصر تعطیلات زمستانی دانشگاهها را تا ۹ فوریه تمدید کرده است.

یک نماینده مجلس از جناح اپوزیسیون در مصاحبه با روزنامه الاهالی می گوید: "اکنون وقت آن رسیده که دولت صریحا اعلام کند که شرکت مصر در جنگ برای آزادی کویت است یا برای نابودی عراق".

مردم مصر انتظار داشتند که مبارک در سخنرانی خود از ابتکار صلح سخن بگوید و یا به تلاش

برای اشتراك نشریات «كار» و «اكثريت» در خارج از کشور فرم زیر را پر کرده

و همراه با معادل بهای اشتراك، تمريستی و يارسيد باتکی پرداخت بهای اشتراك به آدرس نشریه ارسال نماييد:

بهای اشتراك	نشریه «كار»	نشریه «اكثريت»	شش ماهه	يك ساله	اروپا	ديگر نقاط
☐	☐	☐	۱۱ مارك	۲۱ مارك	۱۳ مارك	۲۲ مارك

☐ بهای اشتراك	سزماهه	۳۲ مارك	اروپا	ديگر نقاط
☐ نشریه «اكثريت»	شش ماهه	۶۲ مارك		
☐ يك ساله		۱۲۰ مارك		
				۳۹ مارك
				۷۶ مارك
				۱۵۰ مارك

آدرس كامل (لطفاً خوانا بنويسيد)

اکثريت

نشریه سازمان فداييان خلق
ایران (اکثريت) در خارج از کشور

حساب بانکی
M.ABD
NR. 35263011
37050198
Stadtsparkasse Köln
GERMANY

AKSARIYAT
NO. 337
MONDAY 18 FEB 1991

آدرس:
RUZBEH
POSTFACH 1810
1100 AACHEN
GERMANY